

راه توده

شهرمعاونان سوسیالیست ایران در خارج از کشور

دوشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۶۲ مطابق
۱۲ مارس ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۸۳
به شماره ۴۰۰ ارسال

تجاوز نظامی ایالات متحده

به حق حاکمیت مردم ایران

● تسلیم طلبی سران ج.ا.د در برابر امپریالیسم آمریکابخشی از استراتژی جنگ توسعه طلبانه است

با آغاز عملیات جنگی نظامیان آمریکایی در مرزهای آبی میهن ما، ماجراجویی تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است.

به دنبال تهدیدات رئیس‌جمهور و وزیر خارجه ایالات متحده مبنی بر حراست از تنگه هرمز به اتکای نیروی نظامی ایالات متحده رسماً بخش بزرگی از آبهای خلیج فارس را تحت حاکمیت خود درآورد و مرزهای آبی میهن ما را در کنترل خود گرفت.

بنا به اظهار محافل سیاسی - نظامی آمریکایی، هواپیماهای ایرانی تنها در صورت تماس و کسب اجازه از رزمناوهای آمریکایی حق پرواز بر فراز این منطقه را خواهند داشت و کشتی‌های ایران در صورت نزدیک شدن به منطقه تحت فرماندهی نیروهای آمریکایی هدف آتش آنان قرار خواهند گرفت.

دو هفته پیش‌گام‌نخست در راه عملی کردن این تهدید برداشته شد. یک رزمناو آمریکایی به سوی یک هواپیمای نظامی ایران که از بقیه در صفحه ۱۵

فاجعه ملی جنگ

توسعه طلبانه

بار دیگر چهره می‌نماید

او جگیری جنبش صلح طلبانه زحمتکشان و تلاش ارتجاع برای بهره‌برداری از آن

اخبار تلخ نشان دهند که از میهن مصیبت زده ما می‌رسد حاکی از آنست که شکست قابل پیش‌بینی ماجراجویی‌های اخیر سران ج.ا.د در عملیات "خیبر" و "والفجر - ۶" تلفات و خسارات بی‌سابقه‌ای را بر تلفات و خسارات انسانی و اقتصادی پیشین جنگ توسعه طلبانه افزوده است.

پیش از این بزرگترین حمله ایران به خاک عراق از آغاز مرحله توسعه طلبانه جنگ، عملیات موسم به "رمضان" در تابستان ۳۶۱ محسوب می‌شد که طی آن نیروهای ج.ا.د در جبهه جنوبی به خاک عراق هجوم آوردند. حاصل شکست عملیات "رمضان"، بنا بر اطلاعات مؤثق ۶۰ هزار کشته و مجروح تنها از میان زحمتکشان ایران بود. عملیات اخیر از نظر حجم و وسعت از عملیات رمضان بسیار گسترده بوده است، و اخبار مختلف حاکی از آنست که میزان تلفات ایران نیز از رقم فوق بسیار بیشتر است.

ابعاد دشتناک کشتار مردم، در نتیجه جنگ افزوی توسعه طلبانه حاکمیت ج.ا.د که به ویژه با بهاران دامنه دار ساکنان غیر نظامی شهرها در هر دو کشور و استفاده از سلاح‌های شیمیایی امپریالیستی از سوی عراق، از نظر انسانی نیز فاجعه آمیز تر از پیش است، باز تاب اجتماعی گسترده‌ای در میان زحمتکشان میهن ما داشته است، و در نیست که به نقطه عطی در روند او جگیری جنبش صلح طلبانه مردم ما تبدیل شود. بقیه در صفحه ۲

ده گل سرخی که به انقلاب ایران هدیه شد!

انقلاب را به جوخه‌های اعدام سپرده و خوششان را بر زمین ریخت.
این مدافعان حقوق مردمی، پس از تحمل ماه‌ها شکنجه جسمی و روانی در بیدادگاه‌های در بسته حاکمیت راست‌گرای ایران به اعدام محکوم شدند. جرم آنان، دفاع از آرمانهای انقلاب بود. بقیه در صفحه ۱۳

مردم شریف ایران!
بشردوستان مرفقی جهان!
رژیم ج.ا.د که داغ خیانت به انقلاب مردمی و شکوه‌مندان ایران را بر پیشانی دارد، در سینه دم خونین ۶ اسفند عده‌ای از افسران میهن-دوست و دیگر توده‌های وفادار به آرمان‌های

دبیرکل سازمان ملل متحد به اعدامها و شکنجه اعضای حزب توده ایران اعتراض کرد

صفحه ۲

صمیمانه راه‌نوده (روزنامه)

در صفحات بعد

هشتم مارس، روز همبستگی زنان جهان

اعتراض کارگران علیه سنی نویسی بگشوده قانون کار ارج می‌گردد!

جنايات رژيم ج.ا.

عليه توده‌ای‌های در بند را افشا کنیم!

پهنه‌ای بی‌مرز و ضابطه که تنها هويت خود را در قانون نشناسی، ضدیت با اصول اخلاقی و انسانی و بیگانگی با موازین حقوقی و بین‌المللی کسب می‌کند. در این پهنه تنها شقاوت وحس بقیه در صفحه ۱۴

هجوم بی‌بند و بارانه و سبانه حاکمیت ج.ا.د به حزب توده ایران که با اعدام مفسده جوانه ۱۰ تن از افسران و دیگر اعضای حزب توده ایران، به اوج جنایت آمیز خود رسید، اینک به میدان عمل گسترده تری پا گذاشته است؛

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

فاجعه ملی جنگ توسعه طلبانه بار دیگر چهره می نماید

اوجگیری جنبش صلح طلبانه زحمتکشان و تلاش ارتجاع برای بهره برداری از آن

بقیه از صفحه ۱

در روزهای اخیر سیل گریز زحمتکشان بسیجی که خاطرات کشتار برادران خویش را در جبهه ها را به مثابه سند زنده بیهودگی فاجعه آمیز کشور گشایی سران ج ۱۰ و فریب کاری آنان به روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ ایران باز می آورند، دامنه بی سابقه ای یافته است. تشییع جنازه های گروهی پایان ناپذیر کشته شدگان جنگ در سرنا سر میهن پهناور ما، بیش از پیش به مجامع توده های افشای فجایع جنگ فرسایشی تبدیل می شوند. امروز دیگر مخالفت علنی با ادامه بیهوده جنگ در شهر و روستا، در کارخانه و محله و ادارات و در صف های طویل مردم برای تهیه مایحتاج کم یاب زندگی روزانه به امری عادی بدل گشته است. جنگ افزوری کشور گشایانه حاکمیت با مخالفت دم افزون زحمتکشان مواجه می شود و پایگاه اجتماعی شوونیسم حاکم محدودتر و محدودتر می شود.

عراق " شکست فاجعه بار اخیر را، پیروزی عظیمی که ظاهرا بازم می بایست " مرحله ای دیگر برای تدارک ضربه نهائی ارزیابی شود، جلوه دهند.

یک بار دیگر اعتبار مذهبی بالاترین مقام حاکمیت ایران به میدان می آید تا زحمتکشان گریزان از میدان جنگ را به پایداری فرا بخواند، و جنجال تبلیغاتی درباره استفاده عراق از سلاح های شیمیایی، به خدمت توجیه شکست نظامی که " عقب نشینی تاکتیکی " نام می گیرد در می آید.

اگر چه ناامیدی از پیروزی در جنگ کشور گشایانه از لحن و سیاق سخنان سران ج ۱۰ پدید است، اما تنها نشانه عقب نشینی آنان از مواضع جنگ طلبانه آنست که از اصرار بر لزوم استقرار " حکومت اسلامی " در عراق دست برداشته اند، و تنها خواستار " تعیین صدام " آن هم با جلب رضایت سران ج ۱۰ شده اند. آقای هاشمی رفسنجانی می گوید:

" اگر دیگران بخواهند مهربانی به جای صدام بگذارند، بر همان حرف قبلی تأکید می کنیم که خود ملت باید انتخاب کنند. مگر این که رضایت ما را قبلا جلب کنند " (اطلاعات ۱۸ اسفند ۶۲)

این گونه اصرار واقع ستیزانه و لجاجت انگیز

جنگ طلبان همچنان بر ادامه

جنگ توسعه طلبانه پای می فشردند

سران ج ۱۰ سرانیمه در تلاش آنستند که با پس گرفتن بخش اعظم تبلیغات جنجالی خویش در باره وارد آوردن " آخرین ضربه بر پیکر رژیم

ادامه تحمیل فاجعه ملی جنگ توسعه طلبانه به مردم ایران، بازتاب بین بست سیاسی حاکمیت بریده از خلق است که به ناگزیر، نجات خویش از ورشکستگی نهایی را در پناه بردن به پیروزی غیرممکن در کشور گشایی توسعه طلبانه جستجو می کند.

تلاش ارتجاع برای بهره برداری از ناراضی توده ها از جنگ فرسایشی

بخشی از سخنان اخیر سران ج ۱۰ خطاب به شخصیت های ذی نفوذی در حاکمیت ج ۱۰ ایراد می شود که گویا از " کشته شدن جوانان در جبهه ها لب به شکایت گشوده اند و خواستار پایان بخشیدن به جنگ شده اند. واقعیت این است که این گونه شکایت ها در حاکمیت ج ۱۰ معمولا از ناحیه ارتجاعی ترین جناح ابراز می شود.

بخشی از نمایندگان سیاسی بورژوازی تجاری و بزرگ مالدان ایران که جنگ فرسایشی بیش از همه به سود آنان تمام شده است، از مدتی پیش تمایلاتی در راستای جدا کردن حساب خویش از حساب سیاسی شوونیست های حاکم بر سر نوشت خلق در این زمینه از خود نشان داده اند. این واقعیت که در نخستین نظر متناقض به نظر می آید، از یک سو باز تاب تشدید ناراضی مردم از ادامه جنگ و گسترش جنبش صلح طلبانه در میان زحمتکشان و از سوی دیگر بیانگر تعمیق بحران سیاسی حاکمیت است.

این نیروها با این شیوه برای خود " آبرو و حیثیت " تدارک می بینند تا بتوانند در آینده " حق " جانشینی خود را برای مقامات بالای ج ۱۰ اعلام و طلب کنند. هدف اساسی آنان سوء استفاده از موج فزاینده نفرت مردم از جنگ - برای کسب سهم بیشتری در حاکمیت و تحکیم پایه های نظام سرمایه داری و زمین داری بزرگ وابسته است.

این شرایط یک بار دیگر یادآور ضرورت و اهمیت تشدید تدارکات سیاسی و سازمانی نیرو های انقلابی پیگیر برای هدایت سیاسی و سازماندهی جنبش صلح طلبانه زحمتکشان است. هر گونه تزلزل و کم توجهی به ضرورت اتحاد همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه که پیشاپیش زحمتکشان ایران خواستار صلح عادلانه برای نجات و تداوم انقلاب هستند، امکانات ارتجاع را برای بهره برداری ضد انقلابی از ناراضی توده ها از ادامه جنگ افزایش خواهد داد. تشکیل جبهه متحد خلق یگانه ضامن واقعی تأمین صلح عادلانه همراه با نجات انقلاب از خطر شکست نهایی است.

دبیرکل سازمان ملل متحد به اعداها و شکنجه اعضای حزب توده ایران اعتراض کرد

تشریح جزئیات شکنجه از سوی مقامات ایران در مورد زندانیان سیاسی، اعضای حزب توده ایران و کرد های مخالف رژیم پرداخته و اعلام داشتند است نقض حقوق بشر در ایران، همچنان ادامه دارد.

دبیرکل سازمان ملل متحد، در این بیانیه بر لزوم همکاری مقامات ایرانی با هیأت نمایندگی این سازمان تأکید کرد و از دولت ج ۱۰ خواست قوانین بین المللی را محترم بشمارد.

دبیرکل سازمان ملل پس اعداها اعضای حزب توده ایران و زندانیان سیاسی که طبق بیانیه های رسمی مقامات ایران در ۵ سال اخیر، بالغ بر ۵۰۰۰ تن شده است شیدا اعتراض کرد و قطع فوری این اعمال بی رویه را خواستار شد.

پرز د وکویلبار، دبیرکل سازمان ملل متحد، طی اعلامیه ای که به ۴۸ عضو کمیته حقوق بشر این سازمان تسلیم شد، اعداها شکنجه زندانیان سیاسی و اعضای حزب توده ایران و نقض آزادی های مذهبی در ایران را به شدت محکوم کرد.

پرز د وکویلبار در این بیانیه، ج ۱۰ را به نقض آشکار حقوق بشر در ایران متهم کرد و از حاکمان ج ۱۰ خواست به نمایندگان این سازمان اجازه دهند برای بررسی این موضوع به آن کشور سفر کنند.

وی خاطر نشان ساخت اوضاع ایران در چهار سال اخیر، از نظر نقض حقوق بشر، به هیچ روی بهبود نیافته و دولت تهران بر سر سخنان زید یرفتن نمایندگان این سازمان سر باز می زند.

دبیرکل سازمان ملل در اعلامیه خود به

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

خشم و نفرت مردم مترقی جهان از اعدام افسران و دیگر اعضا حزب توده ایران

وحشتناک و خونین رژیم ایران را محکوم می‌کنیم. رژیمی که این گونه به اهداف و آمال مردمی و نیروهای مترقی ایران که ۵ سال پیش شاه را سرنگون کردند، خیانت می‌کند. ما از رژیم تهران لغو محکومیت های اعدام و آزادی تمام دمکرات های دیندار را می‌طلبیم.

هیأت های نمایندگی و تظاهر کنندگان حاضر همبستگی خود را با همه دمکراتهای ایرانی که برای احترام به حقوق بشر در ایران مبارزه می‌کنند، اعلام می‌دارند.

● جنبش اعتراضی علیه اعدام ها و شکنجه های خود سرانه حکام جابر ج ۱۰۰ برای نجات جهان دمکرات های در بند ایرانی و آزادی تمام زندانیان سیاسی آزادی خواه و پیشرو گسترش می‌یابد:

بی بر زان توس، دبیر کشوری کنگد راسیون عمومی کار فرانسه (ش. و. س. ت) - جنایت رذیلانه اعدام ۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران را محکوم و به این عمل وحشیانه شدیداً اعتراض کرده است. کنگد راسیون عمومی کار (ش. و. س. ت) اعضای خود را فراخواند تا خاتمه محاکمات شوم، قطع شکنجه ها و آزادی هزاران زندانی سیاسی در ایران را طلب کنند!

● سازمان امداد مردمی فرانسه به نام ششصد هزار عضو خود خطاب به سفارت ایران در پاریس خواستار قطع اعدام ها، احترام به حقوق بشر و به ویژه احترام به حقوق زندانیان سیاسی شده است.

این سازمان خاطر نشان می‌سازد که تاکنون صد ها قدراسیون و کمیته این سازمان از سراسر فرانسه پیام های اعتراض به سفارت ایران ارسال داشته اند.

● قطعنامه کمیته خانواده های زندانیان سیاسی که به سفارت ایران ارسال شده است: به سفارت ج ۱۰۱۰، پاریس به مقامات دولتی و قضائی ج ۱۰۱۰.

اجرای احکام فرمایشی صادره از پیش که منجر به اعدام ۱۰ تن از انقلابیون میهن دوست ایرانی گردیده است، تنگ دگری است. برد امان خائنین به انقلاب شکوهند بهمین ۰۵۷.

هم اکنون ده ها هزار تن از فرزندان ضدیق انقلاب تنها به جرم دگراندیشی و دفاع از آرمان های انقلاب در سیاهچالهای ج ۱۰ به دست

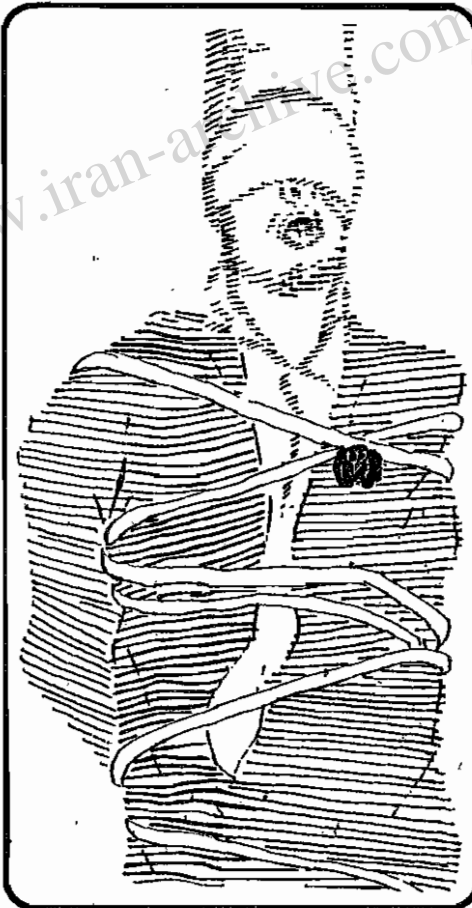
بقیه در صفحه ۶

در برابر سفارت ایران، مراتب انزجار و تأثر عمیق مردم فرانسه نسبت به اعدام ۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران و سرکوب وحشیانه دمکرات های ایرانی را به اطلاع حکومت تهران می‌رساند.

هزاران توده های فدائی، مجاهد به اعدام و یا حبس های بسیار سنگین محکوم شده اند. این محکومیت ها پس از نمایشات نفرت انگیز تحت عنوان محاصره و به دنبال شکنجه های روحی و جسمی از سوی مقامات ایرانی صادر می‌شود. این شیوه ها، همانند شیوه های متداول در دوران سلسله پهلوی است.

جنایاتی از این قبیل نمی‌تواند خشم و انزجار همه کسانی را که بر حقوق بشر و در رأس آن به حق زندگی برای انسانها پای بندند، پسر - نیانگیزد. هم اکنون هزاران کمونیست، دمکرات و میهن دوست ایرانی در بندند و تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارند.

ما به شدیدترین وجهی سنگسری های



خبر اعدام ظالمانه افسران و دیگر اعضا حزب توده ایران، احزاب، جمعیت ها و محافل مترقی و دمکراتیک جهان را، بیش از پیش خشمگین و نفرت زده ساخته است. این اعدام های خود سرانه که تنها امپریالیسم و ایادی داخلی آن را بر سر شوق آورده، تأثر، خشم و اعتراض بیسش از پیش مردم مترقی جهان را برانگیخته است.

آنان همچنان سفره ایران، بررسی وضعیت زندانیان، حضور در دادگاه ها، متوقف ساختن محاکمات فرمایشی توده های ما، پذیرفتن و شرکت دادن نمایندگان خود، وکلای معتبر بین المللی و خبرنگاران خارجی در کلیه دادگاه های توده های ما را خواستارند. به بخشی از این اعتراضات توجه کنید:

فرانسه

روز چهارشنبه ۲۹ فوریه ۱۹۸۴ هزاران تن از آزادی خواهان فرانسوی و ایرانی، هیأت های از سازمانهای گوناگون دمکراتیک از جمله حزب کمونیست فرانسه، در برابر سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس گرد آمدند و با اعتراض علیه اعدام ۱۰ تن از افسران توده های و اعضای حزب توده ایران، خواهان آزادی تمام زندانیان سیاسی شدند که به خاطر مبارزه در راه آرمانهای انقلاب ایران، توسط حکام ارتجاعی ج ۱۰ به بند کشیده شده اند. این گرد هم آیی پر شکوه اعتراضی بنا به فراخوان های حزب کمونیست فرانسه، دفتر کشوری جنبش جوانان کمونیست و هم چنین کمیته همبستگی علیه اختناق در ایران، تشکیل گردید. در این گرد هم آیی هیأتی به نمایندگی از سوی رهبری حزب کمونیست فرانسه، مرکب از ماکسیم گرمس، عضو هیأت سیاسی حزب، گروهی از اعضای کمیته مرکزی و همچنین تعدادی از نماینده ها و نمایندگان کمونیست مجلس فرانسه شرکت داشتند. ماکسیم گرمس متن قطعنامه این تظاهرات را قرائت نمود که پس از تصویب تظاهر کنندگان به سفارت ایران تسلیم شد. ماکسیم گرمس، عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست فرانسه، از تمام شرکت کنندگان خواست تا فعالیت های خود را در زمینه همبستگی با دمکرات های ایرانی گسترش دهند.

متن قطعنامه تظاهرات

چهارشنبه ۲۹ فوریه در پاریس

هیأت های نمایندگی و تظاهر کنندگان حاضر

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

نامه‌ای از زندان اوین

حقایق از شکنجه در زندان اوین که "تعزیر" نامیده می‌شود

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بعد از شکنجه و "تعزیر" زندانی را به شماره ۲۶۵ یا "آموزشگاه" (اتاق‌های ۳۰ تا ۴۰ نفره) می‌برند تا در انتظار محاکمه و تعیین تکلیف آنجا بمانند.

در اتاق‌های ۳۰ تا ۴۰ نفره زندانیان می‌توانند یکدیگر را ببینند. در این جا نگهبان بی‌نقاب ظاهر می‌شود ولی زندانیان، افراد بقیعه، اتاق‌ها را نمی‌بینند. با هم اتاقی‌ها به هبوا خوری و حمام می‌روند اما در راه رو چشم بنسند دارند. زندانی تا از زندان خارج نشده نباید چشم بند را از خود دور کند.

در مرحله بردن زندانی به اتاق عمومی جویا می‌شوند که نماز می‌خواند یا نه؟ اگر نماز خوان باشد احتمال دارد او را به آموزشگاه یا نزد توابعین بفرستند. در صورتی که نماز نخواند دست به شانتاز علیه او می‌زنند. اگر با جران‌ها حرف بزند متهم به همجنس بازی می‌شود. اگر با مسن‌ها و سالمندان صحبت کند او را متهم به کار سیاسی می‌کنند. یا قتل بهانه برای "تعزیر" مجدد و برایشان کار آسانی است.

اتاق‌های عمومی روزانه حدود دو ساعت هوا خوری دارند. البته از زندانیان این اتاق‌ها هم برای "تعزیر" می‌برند. اول به بهانه "تعویض اتاق به افرادی‌های ۲۶۵ یا ۳۲۵ یا آموزشگاه و سپس به ۲۰۹. وزیر زمین منتقل می‌کنند. پس از "تعزیر" باز می‌گذارند در افرادی و پس از بهبود نسبی به عمومی برمی‌گردانند.

در مراحل مختلف بازجویی از زندانی می‌پرسند آیا حاضر به مصاحبه هستی یا نه؟ کسانی که حاضر به مصاحبه نباشند دچار سخت‌گیری‌های طاقت فرسا می‌شوند. در افرادی می‌مانند غذای مرتب ندارند، برخورد با آنان توأم با اهانت و تحقیر است، شکنجه می‌شوند و والی آخر.

علت این طرز رفتار هم خرد کردن روحیه خود زندانی است و هم می‌ترسند اگر او را به عمومی ببرند روحیه دیگران را تقویت کند.

در تمام اتاق‌های عمومی و راهروها و سالن‌ها تلویزیون مدار بسته وجود دارد. مصاحبه‌های داخلی ترتیب می‌دهند. زندانی که زیر "تعزیر" بشکند او را در "حسینیه" پشت میکروفون و جلوی دوربین تلویزیون و فیلم برداری می‌آورند تا خود را معرفی کند و اعمال گذشته‌اش را نفی نماید و توضیح دهد در بازجویی چه چیزهایی را گفته است و اکنون چه موضعی دارد. در همه اتاق‌ها او را می‌بینند و صدایش را می‌شنوند. حاکم شرع که ناظر بر معرفی و مصاحبه داخلی است از همه زندانیان می‌خواهد هر سطلی در باره مصاحبه کننده می‌دانند، بیایند بگویند. دیده شده است افرادی که در آستانه آزادی بوده‌اند بر اثر "افشاگری" یا گزارش یک جاسوس ماندگار شده‌اند.

مصاحبه‌های تلویزیونی هم در "حسینیه" تنظیم و فیلم برداری می‌شود.

اما با وجودی که حکمش صادر شده، اگر ماشه را بکشد او را برای توبه و "توب" شدن در نظر می‌گیرند. پس از شکنجه زندانی را نخست به اتاق می‌برند که چند نفر دیگر هم در آنجا هستند. هم برای خراب کردن روحیه آنان و هم اینکه احتمالاً یک نفر از آنها "توب" است و گفته‌های بعد از "تعزیر" زندانی را گزارش می‌کند. پس از یکی دو روز "تعزیر" شده، مقام را به سطل افرادی منتقل می‌کنند و گاهی ماهها او را در آن جا نگاه می‌دارند. در شکنجه گاه، و کتک و وسائل جراحی و معالجه و مداوا هم درد سترس دارند تا نگذارند زندانیانی که بر اثر شکنجه حالشان بد می‌شود بمیرند. پس از مدتی فاصله، "تعزیر" از نو شروع می‌شود.

مرحله نگاهداری در سطل‌های انفرادی هوا خوری ندارد. در شماره ۲۰۹، چنده در انفرادی و چه در اتاقهای چند نفری هر وقت نگهبان می‌آید اول می‌گوید: روبه دیوار! همه باید روبه دیوار بنشینند. در را باز می‌کند یک نفر را صدا می‌زند. زندانی باید بلافاصله چشم بند خود را که از روز اول گرفته است بزند و بیرون بیاید. نگهبان نقاب دارد. بازجو هم نقاب دارد. در اتاقهای چند نفری زندانیان می‌توانند یکدیگر را ببینند ولی از سوراخ در نباید بیرون را نگاه کنند. هنگام غذا دادن، توالت و حمام رفتن باید روبه دیوار بایستند و چشم بنسند زده باشند. معمولا هرگونه تماس نگهبانان با زندانیان توأم با تحقیر و اهانت و ناسزا گوئی است. به اتاق‌های چند نفری روز ۲۰ دقیقه هوا خوری یا چشم بند داده می‌شود.

در زیر "تعزیر" اگر زندانی فریاد بزند یا حسین، یا علی تأخیر دارد. میان مسلمان و غیر مسلمان هم تفاوت می‌گذارند. بعضی را فقط به این جهت می‌زنند که بگویند کمیست هستیم و اگر این را بگویند از روی نوار پیاده می‌کنند و مد رک می‌شود. همان طوری که گفته شد به هنگام "تعزیر" پیوسته نوار پیر می‌شود. فریاد‌های شکنجه شده نیز توسط بازجوهای که در اتاق هستند شنیده می‌شود. اما زندانی همیشه خیال می‌کند که یک نفر بیشتر در اتاق نیست.

پس از دستگیری، زندانی مورد رسیدگی و تجسس قرار می‌گیرد. کافیه دستش می‌دهند که جواب سوالها را بنویسد. زندانی را بارها می‌زنند تا جواب سوالها را بنویسد. و این کار را بارها تکرار می‌کنند تا در نوشته‌ها تناقضات را بیابند.

زن‌ها و دخترها را با شلاق چرمی "تعزیر" می‌کنند.

در داخل محوطه اوین چند زندان وجود دارد. بدترین آنها شماره ۲۰۹ می‌باشد که محل "تعزیر" است. دیگری شماره ۱۲۶ است که انفرادی و عمومی دارد. بخش دیگر "آموزشگاه" است که ۶ بند دارد. بند‌های ۱ و ۳ و ۵ در سه طبقه، نیمی از ساختمان ریند‌های ۲ و ۴ و ۶ در سه طبقه، نیمه دیگر "آموزشگاه" چسبیده به "حسینیه" است.

هر کسی را که دارند "تعزیر" می‌کنند در ۲۰۹ نگاه می‌دارند که اتاقهای یک نفری، چهار نفری و یا گنجایش بیشتر دارد. "تعزیر" در زیر زمین انجام می‌گیرد. زندانی را روی تخت می‌خوابانند و دستها را با دستبند و پاها را با کابل سیمی به تخت می‌بندند. مرد‌ها را با کابل سیمی "تعزیر" می‌کنند. شلاق را به کف پا می‌زنند و بی‌درپی از او مسئولین بالاتر و قرارهای ملاقات را می‌خواهند. بعد از "تعزیر" مغز و سر سنگینی می‌کند، زندانی منگ و گیج می‌شود و سپس پیمپوش می‌گردد. ضمن "تعزیر" و شلاق زدن فریادها و گفته‌های زندانی را هم می‌شنوند و هم روی نوار ضبط می‌کنند. اذرا چند "تعزیر" کنند، هم زمان عمل می‌کنند. بعضی می‌زنند و برخی گوشی می‌کنند. چشم زندانی بسته است و کسی را نمی‌بیند. اصولا پس از دستگیری بلافاصله چشم بند به زندانی می‌زنند. در هر یک از مراحل "تعزیر" محاکم شرع زندان حکم صد یا پنجاه ضربه شلاق را صادر می‌کند. سپس از آش و لاش شدن زندانی، بازجویی و سوال و جواب همراه با فحش و توهین شروع می‌شود. چه بسا انگشتان پا بر اثر ضربات کابل سیمی می‌ریزد و یا زندانی به اصطلاح مردم "شاش بند" می‌شود. در این مواقع با دستگاهی که دارند "شاش بنسند" را بر طرف می‌کنند. گاهی به سروکله هم می‌زنند و از شوک الکتریکی هم استفاده می‌کنند. اما ایمن بیشتر برای شکستن روحیه است تا گرفتن اعتراف.

زندانی را وادار به نوشتن وصیت‌نامه می‌کنند تا روحیه‌اش طی بازجویی بیشتر بشکند. "تعزیر" در حدی است که زندانی نمیرد. افراد مسن را زودتر از جوانان موقوف می‌شوند بشکند. افرادی هستند که حکم اعدامشان صادر شده ولی خودشان هنوز نمی‌دانند. ایان را نزد کسانی می‌آورند که در حال اعدام کردنشان هستند و می‌گویند اگر می‌خواهی آزاد شوی، ماشه تفنگی را که دست پاسدار است تو باید بکشی. اگر حاضر نشد ماشه را بکشد خود او را هم همراه دیگران اعدام می‌کنند. این امر برای ایجاد رعب و وحشت در میان سایر زندانیان است. زیرا حکم اعدام او قبلا صادر شده بوده ولی زندانیان نمی‌دانسته‌اند.

در شکنجه گاه

به بیگانهان
دیگر بار زندانیان مرا فراخوانند
آنکونه که شب
فرا می خواند خورشید را
و مرگ
آواز می دهد زندگی را
برآمدم و
برون آمدم
از پیله دریده سلول
بدانگونه که شایسته آدمی است .

اود شنای بر لب داشت
من سرودی
او قایقی بی ثبات در توفانی که من بیدم
و من
صخره های رخشان
در ظلمتی که او بود .
من ستین و او تازیانه
او " آری " می گفت و من " نه "
در دهانم آواز تهی دستان بود و
در جانم مشعل عشق .
در کاسه سر او ، آما
انگل یرده خواهان و سرمایه اندوزان
تخم ، هشته بود
من ریشه در توده فرودستان داشتم
و او
پای در گند چاله فرادستان
پس ،
برگردم تصیر خوین ستم را
نقش زد
و ستاره ناخن هایم را
خاموش کرد .

در آن کشتارگاه
در رویارویی با جانوری که به خنجر
رازی مقدس را
در سینم به جستجو می کاوید
هیچ کس یار نبود
جز شعله فروزان حقیقت در جان
من فرو افتادم
بی آنکه سر فرود آیم
او سرفرود آورد بی آنکه فرو افتاده باشد .
نالدیکه :
تسلیم شو ، تازندگی را به تو ارزانی نم
و من سرودم :
مقاومت می کنم تا مرگ را از تو کرده باشم .

من برخاستم و او فروریخت
من چون نهالی بالنده که خورشید را آغوش می -
گشاید
و او چون لاشه ای
که شب را در خویش می آلاید .

مانی

مهرماه ۱۳۶۲

یورش به حزب توده ایران و قانون کار

هفته گذشته ، د و خیر هم زمان در رسانه های گروهی کشور انتشار یافت . خبر اول حاکی از اعدام ده تن از اعضای حزب توده ایران و خبر دوم اعتراض گسترده کارگران به پیش نویس ارتجاعی قانون کار بود . انتشار این دو خبر به طور هم زمان گویای واقعیت مهمی است که ارتجاع حاکم سعی بر انداز آن دارد .

کارگران ایران به یاد دارند در مبارزه بی - امانی که سال گذشته علیه پیش نویس تولکی جریان داشت ، همنود ها ، افشاگری ها و رهبری عملی حزب توده ایران نقش تعیین کننده ای در تحمیل و گسترش این مبارزه ایفا کرد . نقش حزب توده ایران در این نبرد تا به آن حد بود که طراحان پیش نویس کذافی قانون کار نتوانستند کینه طبقاتی خود را علیه حزب توده ایران پنهانی کنند . معتد رضائی ، دست راست تولکی تهدیدی را که چندی بعد عملی شد ، به این صورت بیان کرد :

" آن هایی که در ذهن دارند که این قانون بر علیه مستضعفین است ، این را از کله شان بیرون کنند ، اگر مسلمان هستند . اگر که القاطنی و نامسلمان هستند که سر نوشتشان معلوم خواهد بود . یا به این می روند یا باید از این مملکت

بگذارند بروند " (آبان ۶۱) .
به این ترتیب بود که یورش سبانه به حزب توده ایران ، پس از شکست برنامه تولکی و شرکاء در تصویب سند بردگی کارگران ، آغاز شد . طبقه کارگر ایران امروز ، بیش از هر زمان به طبقاتی بودن دینش دشمنان حزب توده ایران پی برده است .

اعتراضات جسورانه و منطقی کارگران ، علیه پیش نویس " جدید " قانون کار که محتوای ضد کارگری پیش نویس تولکی را هم چنان حفظ کرده است ، نشان می دهد که آنها در کوره مبارزه طبقاتی آیدیده تر شده اند و آموزشهای حزب توده ایران را به خوبی فرا گرفته اند . تمامی تلاش ارتجاع در سرکوب حزب ما به اتهامات سیا ساخته " جاسوسی " ، " براندازی " و ... در این جهت سیر می کرد که سیاست و برنامه عملی و اصولی حزب ما را نزد کارگران و زخمیگان بی اعتبار جلوه دهد . ولی اکنون با ظهور اولین جوانه های پیگیری این سیاست اصولی و آهنگین ، ضحک ارزیابی طبقاتی و برنامه عمل و مشی حزب توده ایران و پیروزی تاریخی تلاش های ارتجاع ثابت می شود .

سوقات آیت الله آذری قمی از لندن چیست؟

توطئه بودند آن چنان که در تحلیل ۷ فروردین ۶۲ حزب توده ایران افشا شد ، ط — طرح یورش به حزب توده ایران با نظارت مستقیم سازمان جاسوسی انگلیس تهیه شده و توسط عسکر اولادی ، وزیر بازرگانی وقت که سفری به پاکستان کرده بود ، در اختیار حاکمیت قرار گرفته با توجه به این سابقه است که اکنون هر خبر انسان شرافتمند و علاقمند به سرنوشت انقلاب ایران از خود می پرسد آیا سفری که آیت الله آذری قمی به لندن داشته است ، علاوه بر تحکیم پیوند روحانیون طرفدار نظام سرمایه داری و زمین داری بزرگ و نزدیکی هر چه بیشتر و سریع تر ایران به امپریالیسم حاصلی از آن کینه کسه ثمر سفر عسکر اولادی داشت به همراه نخواهد داشت ؟

آیا خائنین به انقلاب ایران ، این بار ، توسط وی برای امپریالیسم کهنه کار پیام نفرستاد مانند و اطمینان نداده اند که راه رفته را (خیانت به انقلاب) باز نخواهند گشت را مأموریت ابلاغ شده توسط عسکر اولادی را تا با به خاک و خون کشیدن همه تودم های ما به عنوان وثیقه خیانت به انقلاب به پایان خواهند برد ؟ آیا او حامل طرح یورش و دستگیری جدیدی نیست ؟ برای انتخابات تجدید مطن شورای اسلامی که در پیش است و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، نقش درجه اول را در آن بازی می کند ، طرحی به همراه نیاورده است ؟ آیا او حکم اعدام همه تودم های ما را در لندن دریافت کرده است ؟ و ...

کاردار سفارت ایران در لندن ، طیسی یک صاحب مطبوعاتی اعلام کرد ، آیت الله آذری قمی که برای معالجه فسرزندش به انگلستان سفر کرده بود این کشور را به قصد ایران ترک کرده است .

آیت الله آذری قمی ، دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و یکی از روحانیون راستگرای حاکمیت ج ۱۰ است که طرفدار نظام سرمایه داری و مخالف هرگونه اصلاحات اجتماعی - اقتصادی به نفع توده های مردم است . او بارها از تربیون نمازهای جمعه شهر قم به طرح اصلاحات ارضی اعتراض کرده و در چرخش حاکمیت ایران به راست و پشت کردن به آرمسان های انقلاب شکوهمند مردم ایران ، نقش مهمی به عهده داشته است .

کاردار سفارت ایران در لندن ، سفر آیت الله آذری قمی به این کشور را با بهانه معالجه فرزند بیمارش توجیه کرده است . این گونه سفرهای پنهانی معمولاً به بهانه هایی از آن دست که کاردار سفارت ایران اعلام داشته است ، برای برقراری ارتباط و هماهنگی صورت می گیرد .

امپریالیسم پیر و کهنه کار انگلستان در مجامع و محافل وابسته به روحانیت راستگرای ایران ، نفوذی انکارناپذیر دارد . همین روحانیون وابسته مستقیم و غیر مستقیم به سازمان جاسوسی انگلیس در سالهای پس از پیروزی انقلاب علیه انقلاب و نیروها و سازمانهای طرفدار آن سرگرم

خشم و نفرت مردم مترقی جهان از ...

شب همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در برلین غربی

به ابتکار کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران متشکل از هنرمندان، معتمدان، محققان، دانشمندان مترقی و سایر نیروهای صلح دوست، ضد فاشیست و مترقی آلمانی و خارجی گرد همائی بزرگی در روز دوشنبه ۸ اسفند ۱۳۶۲ (۲۷ فوریه ۸۴) در برلین غربی بر پا شد.

در این گرد همائی که در آن بیش از ۵۰۰ نفر شرکت داشتند، حاضرین در ابتدا با یک دقیقه سکوت خاطره همه شهدای انقلاب ایران و خصوصاً ۱۰ تن از افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران را که هفته قبل از طرف حکام جابرس و ارتجاعی ج ۱۰ به جوخه اعدام سپرده شدند، گرامی داشتند. سپس سخنگوی کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران طی سخنرانی خود هدف تشکیل این کمیته را اعلام نمود و از جمله گفت:

"خیانت رهبران ج ۱۰ به اهداف انقلاب بهمین ۵۷ انقلابی که در خارج از ایران نیز، با استقبال بی نظیر نیروهای مترقی روس و شده بود، سرکوب نیروهای انقلابی توسط ایسن خائنین و قربانی شدن بهترین فرزندان خلق به درگاه امپریالیسم، وضعیت فوق العاده دردناک و دشوار زندانیان سیاسی ایران که هر آن در معرض تابودی قرار دارند، هراسان آزاده‌های را می‌دارد که برای نجات چنان این بهترین فرزندان انقلاب که اکنون در سیاهچالهای ج ۱۰ بسر می‌برند، همبستگی و پشتیبانی کامل خود را از همه زندانیان سیاسی میهن دوست ایران سر لوحه کار خود قرار دهد"

سخنگوی کمیته سپس با اشاره به جنگ خانمانسوز ایران و عراق یاد آور شده که امروزه افسران آزاد میهن دوست که گناهی جز عشق به میهن و مردم ندارند، از طرف سردمداران رژیم ج ۱۰ به ظاهر با اتهامات واهی و لوسی در حقیقت به خاطر نیات صلح دوستانه شان به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند.

سپس نقاش معروف "کریستف نیس" به سخنرانی پرداخت و ضمن اعلام پشتیبانی از کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران، مبارزات هنرمندان و روشنفکران ایران را چه در دوران رژیم شاه و چه در شرایط کنونی ستود و یاد آور شده که امروز در ایران پس از انقلاب هم مرتجعین غاصب هنرمندانی چون محمود اعتمادزاده را با شکنجه خرد کرده و یا فیلسوف و شاعر بزرگی چون احسان طبری را با همان شکنجه‌های دامنشانه به بیمارستان می‌کشاند.

پس از آن "هانس شرودر" دبیر کنونی اتحادیه ضد فاشیست های برلین غربی، مبارز قدیمی که سالها تحت پیگرد رژیم نازی قرار داشت، پشت تریبون قرار گرفت و ضمن اعلام همبستگی با مبارزات مردم ایران، یادآوری های درخشان و میهن دوستی مبارزان حزب توده ایران را مورد ستایش قرار داد. وی با ذکر خاطره‌ای که یادآور همبستگی عمیق نیروهای

اعضای حزب توده ایران، تلگرامی خطاب به سه دولت ج ۱۰ ارسال داشته است. وی در این تلگرام اظهار داشته است که با اعدام ایسن میهن دوستان به زندگی انسانهایی پایان داده شد که برای تأمین استقلال و آزادی برای کشور خود و سرنگونی رژیم ارتجاعی شاه مبارزه کردند. وی در تلگرام خود با محکوم کردن این عمل جنایتکارانه آن را اقدامی در جهت منافع دشمنان خلق و مغایر با منافع مردم ایران خواند.

کورت ارباخ، ضمن طلب پایان دادن به این جنایات علیه میهن دوستان ایرانی بار دیگر خواست محافل دمکراتیک جهان مبتنی بر صدور اجازه ورود هیأت های ناظر بین المللی برای بازدید از زندانیان و بررسی وضع زندانیان ایران را مورد تأکید و باره قرار داده است.

بقیه از صفحه ۳

د رخیمان مورد شکنجه قرار گرفتند و شهید می‌گردند خانواده زندانیان کوچک ترین اطلاعی از وضع جسمی و روحی خویشان در بند خود ندارند و صرفاً به خاطر پیوند های خانوادگی مورد هرگونه بی حرمتی و شکنجه روحی و روانی قرار می‌گیرند و حتی به عنوان گروگان به اسارت برده می‌شوند.

ما خانواده‌های زندانیان سیاسی ایران ضمن ابراز تنفر از این جنایات ننگین خواستار پایان بخشیدن فوری به این اعمال ضد بشری و غیرقانونی سردمداران ج ۱۰ هستیم. و آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی دربند که تنها به جرم دگراندیشی و دفاع از انقصاب سکوهند ایران در فراموشخانه به دست د رخیمان سپرده شده‌اند خواهانیم.

کمیته خانواده زندانیان سیاسی ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان درباره اعدام ده تن از میهن دوستان ایرانی

صدای اعتراض شدید خود را نسبت به این جنایاتی که در ایران انجام می‌گیرد بلند می‌کنند و خواهان پایان دادن به آن هستند. ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی و ایجاد جو آزاد و احترام به حقوق دمکراتیک و پاکسازی ارگان های دولتی از ارگان های پلیسی رژیم شاه هستیم.

ما بار دیگر همبستگی و همدردی بی پایان خود را با حزب توده ایران که همراه باد یگر نیروهای خدامهریالیستی در ایران چنین مرخلد شوری از مبارزه را از سر می‌گذارند، اعلام می‌کنیم.

افکار عمومی دمکراتیک یونان از خبر اعدام ۱۰ افسر میهن دوست و ۶ تن از دیگر اعضا سوسی حزب توده ایران، توسط ارگانهای سرکوبگر رژیم ایران، مطلع شدند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان ایسن اقدام وحشیانه رژیم ایران را که پس از شکنجه های طولانی در زندان و دیگر اعمال فشار و تهمینق توسط مسئولان ج ۱۰ به اجرا گذاشته شد، محکوم می‌کند.

کمیته ها و همه دمکرات های یونانی

بیانیه حزب کمونیست آلمان فدرال

حزب کمونیست آلمان طی بیانیه‌ای خطاب به سفارت ج ۱۰ در برلین که رفیق هرمان گوتیرران را امضا کرده است، به اعدام ۱۰ تن از اعضا، حزب توده ایران شدیدا اعتراض کرد.

رفیق هرمان گوتیرر در بیانیه خود خاطر نشان ساخته است که با این اعدام ها، ترور علیه میهن دوستان ایرانی بار دیگر شدت یافته است. جرم این میهن دوستان تنها دفاع پیگیر از اهداف انقلابی و فعالیت پیگیر ضد امپریالیستی آنان در راه تأمین رفاه خلق ایران بوده است.

"مسئول ترور این میهن دوستان ایرانی آن محافل هستند که می‌خواهند ایران را بار دیگر به هوادارای امپریالیسم و شهری ستیزی بازگردانند."

حزب کمونیست آلمان در این بیانیه خواستار قطع فوری تمام تهمینقاتی شده است که مقامات ایرانی علیه این انسانهای بی گناه اعمال کنند.

یونان

کمیته یونانی همبستگی با توده‌های هما و زندانیان ضد امپریالیست در ایران تلگرامی اعتراضی نسبت به اعدام دمکرات ها و افسران میهن دوست، اعضای حزب توده ایران به ایران ارسال داشته است.

در این تلگرام روش های قانون شکنانه دادگاه ها و سپردن بهترین مبارزان خلق ایران که تمامی زندگی خود را وقف مبارزه در راه آزادی دمکراسی و صلح کرده بودند به جوخه‌های اعدام شدیدا محکوم شده است.

● جنبش متحد سندیکای کارگری یونان، طی صدور اعلامیه‌ای انزجار شدید خود را نسبت به اعدام ۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران اعلام داشته و اعمال خود سرانه و سرکوبگرانه دستگیری، شکنجه و قتل پیشروان نیروهای خلقی را شدیدا محکوم کرده است. در این اعلامیه آمده است:

"این سرکوب ها علاوه بر آستان های امپریالیسم آمریکا را بر آورده می‌کند."

کورت ارباخ، صدر اتحادیه ضد فاشیست های آلمان فدرال، در اعتراض به اعدام ۱۰ تن از

آلمان فدرال

خشم و نفرت مردم مترقی جهان از ...

بقیه از صفحه ۶

مترقی جهان با مبارزین آلمانی دوران سیاه تسلط فاشیسم هیتلری بود، اعلام داشت که امروز نیز مبارزان انقلابی ایران ام از زندانیان سیاسی و آنها که خارج از زندانها به مبارزه علیه تسلط سیاه ارتجاع در ایران ادامه می دهند، به یک چنین همبستگی گسترده بین المللی نیاز دارند .

سیس هنرمندان مشهوری چون احمد برقو و " ایلزه شر " و گروه کر نشین و گسروه کسر " هاینس آیسلر " برنامه هایی اجرا کردند و " گیزلا کرافت " نمونه های ارزنده ای از شعرها و متعهد آلمان را عرضه نمود .

در این گرد همائی بزرگ که طی آن سالن بارها از فریاد های " زنده باد همبستگی بین المللی " مدعوبین به لرزه درآمد، " هلمسوت کراس " هنرپیشه مشهور آلمانی به نمایندگی از طرف هنرمندان صلح دوست " قطعنامه ای را که در جلسه عمومی این هنرمندان به منظور

همبستگی با زندانیان سیاسی ایران به تصویب رسیده بود، قرائت نمود .

متن این قطعنامه چنین است :

" هنرمندان صلح دوست " که در جلسه روز ۲۷ فوریه ۱۹۸۴ گرد هم آمده بودند با انزجار قراوان از خبر محاکمات و اعدام های اخیر در ایران که طی آن چند کمونیست و نظامی بلند پایه به خاطر مبارزه علیه جنگ ایران و عراق و برای پیشرفت اجتماعی به جوخه های اعدام سپرده شدند، مطلع شدند .

ما خواستار آنیم که :

- به اعدام ها پایان داده شود و یک گروه ناظر بین المللی در محاکمات کنونی حضور یابد!
- تمام زندانیان سیاسی ایران آزاد گردند!
- جنگ بین ایران و عراق هرچه زودتر پایان یابد!



شرکت گروه های هنری از جمله آیسلر و نوشین در شب همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

بیانیه هیئت سیاسی حزب کمونیست اتریش

هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش طی یک بیانیه که در روزنامه " فولکس اشتیه " مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۴ درج شد، اعدام ۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران را شدیداً محکوم کرده است .

متن این بیانیه تحت عنوان " این رژیم را باز دارید " چنین است :

" کمونیست های اتریشی شدیداً به اعدام اعضای رهبری حزب توده ایران اعتراض می کنند . کمونیست های ایرانی همواره به میهن و انقلاب خود خدمت کرده اند . آنان هنگامی نیز که محافل حاکم ایران ، روحانیون و بورژوازی شروع به خیانت به اهداف انقلاب کردند از این خدمت باز نایستادند . چنانکه پیدا است این امر در چشم ارتجاع ایران " گناه " حقیقی کمونیست هاست . این عمل مقامات مسئول ایران به منافع کشور نیز لطمه وارد می سازد . کمونیست های اتریشی از دولت فدرال اتریش می خواهند که به نام انسانیت در این امر مداخله کنند .

نباید گذاشت موج شکنجه انسانهای پیشرو و اعدام آنان ادامه یابد .

- زنده باد همبستگی انسانهای پیشرو در جهان !

- در رود به کمونیست های ایرانی که تحت پیگرد هستند ولی به مبارزه خود ادامه می دهند!

بریتانیا

بنا به دعوت حزب کمونیست بریتانیا ، روز ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن) ، نمایندگان سازمان های مترقی این کشور ، به منظور اعتراض به احکام صادره از دادگاه های در بسته نظامی علیه افسران مدافع انقلاب و اعضای حزب توده ایران تجمع کردند .

تظاهر کنندگان ، ضمن حمل پلاکارتهائی مبنی بر خواست قطع اعمال شکنجه در زندان های ج ۱۰ ، آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی و پایان دادن به اعمال تضيیقات علیه حزب توده ایران و اعضای آن ، مراتب تنفرو انزجار خود را نسبت به فجایعی که علیه نیروهای مترقی کشور ما صورت می گیرد ، ابراز داشتند .

در میان تظاهر کنندگان ، شخصیت های برجسته سیاسی بریتانیا نیز به چشم می خوردند که یکی از آنها رفیق جری پوکاک ، عضو کمیته مرکزی و هیأت سیاسی حزب کمونیست این کشور



با عکس در مطبوعات مترقی بریتانیا انتشار یافته است .

است . شرح برپائی این تظاهرات اعتراضی ، همراه

اعتراض کارگران علیه پیش نویس بزرگ شده قانون کار اوج می گیرد!

" متأسفانه قدرت سندیکاهای زمان طاغوت بیستراز قدرتی است که برای شوراهاى اسلامى مندرج در پیش نویس جدید قانون کار در نظر گرفته اند "

" قانون شوراهاى اسلامى مندرج در پیش نویس فعلی قانون کار، جوابگوی نیازهای جامعه کار و کارگری نیست "

" چرا در همان ابتدای تدوین قانون کار از نظرات کارگران و خانه کارگر برای تدوین پیش نویس استفاده نشد که حالا مجبور شویم در سمینار یک روزه تمامی این نظرات را جمع آوری کنیم "

" ما خواستار ممنوعیت کامل اشتغال افراد کم سن و سال هستیم "

... "

اساسی تطبیق داده شده نیازی به قید این بخش نداریم "

کارگران به درستی خواهان حذف فصل چهارم پیش نویس شده اند . آنها با ششم طبقه خود دریا فتانند که این فصل پیش نویس، پانزده سال گذشته مهم ترین دست آورد مبارزات ۷۰ ساله طبقه کارگر است . این فصل پیش نویس، استثمار بی قید و شرط و بی حد و مرز کارگران را توسط کارفرمایان بخش خصوصی قانونیت می بخشد . کارگران همچنین فقدان مواد مربوط به بیمه و تأمین اجتماعی را در این پیش نویس محکوم کردند . به نحوی که کمالی، نمایندگی مجلس مجبور شد اعتراف کند :

" در این پیش نویس تکلیف بیمه و درمان روشن نیست "

کارگران میراث توکلی را ساخته اند

بیش از یک سال پیش، دبیر انجمن همبستگی شوراها و سندیکاهای تهران، توطئه ای را که کارگران امروز شاهدان هستند با این جملات افشا کرد :

این فریاد اعتراض کارگران است که در سالن های باشگاه دخانیات و وزارت نار ضنین می اندازد . کارگران ایران با انگشت گذاشتن بر روی نقاط ضعف اساسی این پیش نویس " جدید " آگاهی سیاسی و ششم طبقه خود را نشان دادند و خشم و انزجار خود را نسبت به ماهیت ارتجاعی این پیش نویس اعلام کردند . آنان به درستی توطئه انحلال تشکل های صنفی کارگری، توسط ارتجاع حاکم را افشا کردند و با صدای بلند اعلام داشتند که تشکیل آزاد انجمن های صنفی - سندیکا و شورا - حق آنان است و هیچ مرجعی مجاز نیست آنها را از این حق محروم کند . حق تشکل های صنفی، حاصل مبارزه طولانی طبقه کارگر است که کارگران ایران توانستند در اصل ۲۶ قانون اساسی آن را تثبیت کنند . آنان همچنین تأمین حق مشارکت در مدیریت و برنامه ریزی واحدها را طلب می کنند - منصور مینویی، نماینده کارگران شیراز در سمینار وزارت کار می گوید :

" ما شوراهاى مشارکتى می خواهیم نه مشورتى. کارگران در مجامع دیگر نیزه ضمن اشاره به اصل ۱۰۴ قانون اساسی که حق مشارکت کارگران را در اداره واحدهای کار تضمین کرده است، خواهان تحقق این دست آورد انقلاب بهمین ۵۷ هستند و سدوت آگاهانه تدوین کنندگان پیش نویس را در این مورد محکوم می کنند .

موج اعتراض کارگران علیه فصول ضد کارگری این پیش نویس آن قدر شدید است که مجبور مشاور نخست وزیر در یک مصاحبه مطبوعاتی به ناچار اعلام می کند :

" به نظر ما اگر بند بند این بخش پیش نویس (فصل چهارم مواد ۱۳۷ تا ۱۴۰) با قانون



" ما می دانیم که پیش نویس قانون کار به این صورت تصویب نخواهد شد . به نظر ما تدوین کنندگان قانون هم این را می دانند و از اول هم می دانستند . منتهی امید حضرات این است که این پیش نویس لااقل به عنوان مبنا و اساسا بر پذیرفته شود و اگر این جا و آن جا " تکمیل " اصلاح " شده، به هر حال روح این قانون باقی بماند . "

اولین " اصلاح " کننده آن پیش نویس کذایی خود آقای توکلی بود . او در مصاحبه ای با روزنامه کیهان در اردیبهشت سال ۶۲ اعلام کرده که برخی نواقص رفع شده و بعضی فصول پیش نویس تکمیل شده است - تغییراتی که در پیش نویس " جدید " صورت گرفته، تنها در بزرگ کردن پیش نویس توکلی، با حفظ همان روح و چهارچوب ضد کارگری خلاصه می شود . مسئولین فعلی وزارت کار نیز خود همه جا از " برخی تغییرات " در پیش نویس قبلی صحبت می کنند . به عبارت دیگر به حفظ چهارچوب پیش نویس توکلی اعتبار داده دارند .

این نکته، یعنی توجه به روح ضد کارگری حاکم بر این پیش نویس، در اعتراضات کارگران به خوبی مشاهده می شود . محبوب و مشاور کارگری نخست وزیر و عضو شورای مرکزی خانه کارگر تحت فشار کارگران مجبور است بگوید :

" ما به کلیات این قانون انتقاد داریم "

کارگران تمام مواد پیش نویس را مورد حمله قرار می دهند

گذشته از افشا ورد پایه های اساسی ضد کارگری این پیش نویس، کارگران تمامی مواد آن را یک به یک مورد اعتراض قرار می دهند . در واقع هر یک از این مواد جلوه ای از تحقیر، اهانت سرکوب و پایمال کردن حقوق اساسی کارگران توسط وزارت کار سرمایه داران است .

عبدالهی، نماینده کارگران صنایع شیشه کسر در گرد همایش وزارت کار گفت :

" ماهیت ماده ۳۳ قانون کار طاغوت به قوت خود باقی است . "

قدرت الله آزاد نماینده کارگران پشمزد با ف پس از افشا حیل حامیان سرمایه داری - سراء تثبیت حق استثمار کودکان خرد سال، در پیش نویس قانون کار اعلام کرد :

" ما خواستار ممنوعیت اشتغال افراد کم سن و سال هستیم "

بقیه در صفحه ۹

کارگران ایران! در تشکلهای واقعی کارگری (سندیکاهای شوراها) متشکل شوید

اعتراض کارگران علیه پیش نویس ...

بقیه از صفحه ۸

اعتراض به مسئولین رادیو و تلویزیون خواستار انعکاس مسائل مطرح شده در این سمینارها شدند . کارگران به حق خواهان اختصاص برنامه روزانه‌ای برای بحث و بررسی این پیش نویس هستند . آنان به درستی بر این واقعیت تأکید داشتند که بخش مهمی از کارگران و زحمتکشسان ایران بی‌سواد و کم سواد هستند و یکی از راه‌های مشارکت آنها در تدوین قانون مربوط به سرنوشت خود و فرزندانشان ، بخش برنامه‌های منظم و روزانه از رادیو و تلویزیون است .

کارگران همچنین جراید رسمی کشور را مورد انتقاد قرار دادند که :

در جلسه سرمایه‌داران و کارفرمایان چه گذشت؟

نمایندگان سرمایه‌داران برخلاف کارگران بسا سکوت در مورد پایه‌های اساسی روح ضد کارگری حاکم بر این پیش‌نویس ، آن را مورد تأیید ضمنی قرار دادند . آنها به این هم اکتفا نکردند و خواهان حملات بیشتری به حقوق کارگران شدند .

مبداله آزاد بیان نماینده کارفرمای کارخانه پروقیل سپاهان " خواهان افزایش ساعات کار کارگران شد ."

مرتضی بهمنی از کارخانه ایران لائو خشم خود را از تشکل‌های کارگری و ضدیت خود را با آنها بی‌پرده بیان کرد . او بنا نکیه بر رد قانون نیمس بند شوراهای کارگری مصوب مجلس توسط شورای نگهبان سرمایه‌داری خواهان حذف مواد مربوطه از پیش‌نویس شد .

این خواست‌های کارفرمایان که گوشه‌ای از طمع و حرص پایان ناپذیر سرمایه‌داران است ، نشان می‌دهد چنانچه طبقه کارگری ایجاد وحدت و تشکل سراسری صفوف خود را فترده تر نکنند ، سرمایه‌داران آمادگی تهاجمات باز هم بیشتری را به حقوق کارگران دارند .

پیش‌نویس برگ‌شده قانون کار توکلی باید به سرنوشت اصل خود دچار شود

همان‌طور که مشاهده می‌شود کارگران نه این یا آن ماده پیش‌نویس بلنه کل آن را ، روح حاکم بر آن را رد می‌کنند . کارگران به صراحت می‌گویند که پیش‌نویس برگ‌شده باید به سرنوشت اصل خود دچار شود . برخلاف نظر وزیر کار که سعی دارد تا با " اصلاحاتی " این پیش‌نویس را قابل قبول معرفی کند ، کارگران به هیچ وجه آن را اصلاح پذیر نمی‌دانند .

کارگران یک بار دیگر خواست خود را که پیش از یک سال پیش از زبان دبیر انجمن همبستگی شوراها و سندیکاها بیان شده بود تکرار می‌کنند : " به نظر ما پیش‌نویس قانون کار قابل اصلاح نیست . این قانون با روحی مغایر روح قانون اساسی و منافع و مصالح توسعه اقتصادی کشور و علیه منافع زحمتکشان تهیه شده و آن را هر قدر هم به اصطلاح بهبود ببندیم ، بدهند ، باز همین روح در آن باقی خواهد ماند ."

که چرا نوش‌شنوائی در حاکمیت ج ۱۰ — برای شنیدن خواست‌های به حق آنان وجود ندارد . حاکمیت ج ۱۰ که به خواست‌های اساسی انقلاب بهمن پشت‌نرده است از کارگران وحشت دارد . آری حاکمیت ج ۱۰ از تشکل‌های مستقل کارگران از خواست‌های کارگران و به طور کلی از کارگران وحشت دارد . مسئولان ج ۱۰ آن قدر از کارگران در افتاد هاند که حتی در جلساتی که خودشان کارگران را به آن دعوت کرده‌اند حضور نمی‌یابند . آنان برخلاف ادعاهای گذشته خود ، کارگران را شایسته آن ندید هاند که در جلسه آنان شرکت



کنند . علی یوسفی یکی دیگر از نمایندگان کارگران در سالن وزارت کار می‌گوید :

" از وزیر کار و نماینده کارگران در مجلس ، آقای کمالی به خاطر عدم حضورشان در این جلسه گله می‌کنم ."

عدم مشارکت کارگران و نمایندگان واقعی آنان در تدوین و تنظیم این پیش‌نویس ، موجب گردیده که علاوه بر پایمال شدن حقوق کارگران در این پیش‌نویس ، متن آن نیز به زبان کارفرمایان نوشته شود تا سرمایه‌داران بتوانند از متن مبهم ، پیچیده و کندار آن در جهت غارت کارگران بهره‌جویند و آن را متناسب با منافع خود تفسیر کنند . آقای محجوب مشاور کارگری نخست وزیر ج ۱۰ در مصاحبه مطبوعاتی خود پس از جلسه سالن دخیات اعلام کرد :

" خواست مستمر کارگران ساده بودن و آسان تنظیم کردن و صریح بودن قانون جدید کاراست "

لزوم بحث وسیع و همه‌گیر و همه‌جانبه کارگران این بار نیز هم چون گذشته ضمن

نمایند . کارگران کارخانه گچ تهران : " خواستار برابری مرخصی سالیانه کارگران و مستخدمین دولت شد ."

نمایند کارگران کارخانه یسزد با فاضل‌نجمه به تبصره ماده ۶۵ پیش‌نویس " که به کار فرما حق می‌دهد ساعات کار را به هر نحو که خواست تغییر دهد " آن را ضد کارگری خواند و گفت : " این ماده باعث هرج و مرج خواهد شد و کارگران نخواهند توانست برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنند ."

کارگران شرکت کننده در سمینار خانه کارگر در باشگاه دخیات محظرات خود را طی یک قطع نامه ۲۲ ماده‌ای بیان کردند که از جمله حاوی نکات زیر است :

" تجدید نظر و تغییر ماده مربوط به اضافه کاری ؛

— افزایش مرخصی کارگران شاغل در کارهای سخت ؛

— روشن شدن وضعیت کارگران در موارد کار افتادگی ناشی از کارهای غیر شغلی ؛

— رفع نواقص مواد مربوط به از کار افتادگی و بازنشستگی ؛

— جلوگیری از اخراج کارگران ؛

— جبران مابه‌التفاوت دستمزد ایام بیماریان ؛

— تأمین حقوق کارگران در شرایط تعطیل کارخانجات ؛

— تغییر مواد مربوط به بیمه اوقات بیماریاری کارگران در بخش تأمین اجتماعی ؛

— قید پرداخت عیدی کارگران .

خواست‌های دیگر کارگران عبارتند از :

— شمول قانون کار بر تمامی کارگران کشور ؛

— تثبیت و تضمین حق کار به عنوان یکی از حقوق اساسی افراد کشور و برقراری بیمه بیماریاری ؛

— جلوگیری از اخراج زنان و تأمین برابری حقوق زنان و مردان کارگر .

تدوین قانون کار بدون مشارکت کارگران ارزش ندارد

کارگران به حق می‌پرسند ، مگر ما بارها نگفتیم که نمایندگان مان باید در تدوین قانون کار شرکت فعال داشته باشند ؟ مگر ما به هنگام طرح پیش‌نویس توکلی به آن ایراد نگرفتیم که بدون مشارکت ما تهیه شده است . مگر ما بارها اعلام نکردیم که تدوین قانون کار انقلابی بدون مشارکت کارگران ممکن نیست ؟ پس چرا حصر حساب ما به گوش مسئولان ج ۱۰ فرو نمی‌رود . نماینده کارگران کارخانه گچ تهران در سالن وزارت کار فریاد برمی‌آورد که :

" چرا در همان ابتدای تدوین قانون کار نظرات کارگران و خانه کارگر برای تدوین پیش‌نویس استفاده نشد ؟ "

کارگران ایران اکنون بیش از پیش بی‌می‌برند

در هفته ای که گذشت:

مردم ایران با جان خویش تاوان خیانت سران ج.ا.رامی پرداختند

طغیان دریاچه هامون، خانه و کاشانه پیش از ۵۰۰ خانوار ساکن این دریاچه را کبهدر نزدیکی زابل قرار دارد به زیر آب برد. بر اثر این حادثه، بیش از ۱۰ تن از هموطنان محروم و رنج دیده، این بخش از کشورمان کشته و تعداد زیادی مجروح گردیدند. هم چنین حدود ۲۰/۰۰۰ راس دام که همه دارای ایمن زحمتمشان محروم را تشکیل می دهد، تلف شدند. (کیهان ۳ اسفند)

کلیه ساکنان د و روستای بیرجند، به نام های "دشنگ" و "برنیک" نیز در اثر طغیان همین دریاچه به زیر آب فرورفتند. در روستای "دشنگ" بیش از ۱۰۰ چادر نشین مقتول و بیش از ۱۰۰۰ راس دام تلف شدند. در روستای "برنیک" نیز ۱۱۰ خانوار روستائی زندگی می کنند که همگی به کام سیلاب فرورفتند. (اطلاعات ۱۷ اسفند)

در نگاه اول، شاید این فاجعه، مصیبت بار، تنها یک بلیه طبیعی به نظر آید. اما هنگامی که اوضاع و شرایط دشوار تحمیل شده بر کشور و مردم رنج دیده، ما را به حساب آوریم، منظره دیگری در برابر دیدگان ما تصویر می شود.

سخنان نماینده زابل به گونه ای مبهم گویای این واقعیت است. او که با هزار "اما" و "و اگر" و "شاید" صحبت می کند، اقرار دارد:

"ابعاد حادثه به قدری وسیع و رقت آور است که دل هر بیننده ای را به درد می آورد" (کیهان ۸ اسفند)

وی کوشید "ابعاد وسیع و رقت آور" این حادثه را زیر سایه سیاه "در اولویت بودن اخبار جنگ سرنوشت ساز اسلام علیه کفر" بکشاند. اما با این حال، واقعیت، تلخ تر و کوبنده تر از آن بود که نادیده انگاشته شود. واقعیتی که تحمل آن، مردم را آن چنان بر سر خشم آورده که معکست از مرود "نمایند" خود به زادگاهش نیز جلوگیری کنند. نماینده زابل می گوید:

"اگر حداقل بخشی از درد های مردم را باز گو نکنیم، نه تنها در مدت باقی مانده از عمر مجلس دوره اول نخواهیم توانست وارد منطقه شوم، بلکه در آینده از مراجعه به زادگاه خود نیز محروم خواهیم شد" (همانجا)

اخبار رسیده پیرامون این واقعه، دل خراش حاکی است وقوع حادثه از ۲۵ بهمن ماه شروع شده و تنها پس از ۸ روز، یعنی هنگامی که امکان نجات بسیاری از قربانیان، از دست رفته بود، عملیات امدادی شروع شده است.

مسئولین نه تنها مستقیماً در امر کمک رسانی به مردم کوتاهی کردند، بلکه در یاری مردم مناطق دیگر به ساکنین این روستاها نیز اخلاص به وجود آوردند.

همین اخبار حکایت دارد قایق های افرادی که در نيزار و کناره دریاچه سکونت داشتند، چند روز پیش از حادثه (ظاهراً به منظور جلوگیری از قاپاق با) جمع آوری شده بود. این قایق ها می توانستند در امر نجات اهالی، نقش حیاتی بخشی بازی کنند.

نماینده زابل اعلام کرد مسئولین منطقه صلاحیت گردانندگی امور را ندارند و با مردم به گونه ای نامطلوب برخورد می کنند.

"ابعاد وسیع و رقت آور" این حادثه بیانگر سیاست ضد انقلابی و ضد مردمی رژیم حاکم بر ایران است. رژیمی که به تمام وعده های خود به مردم پشت کرده است.

معمدین بازار ولی نعمت های ج.ا.

آقای خامنه ای، رئیس جمهور، در دیدار با نمایندگان انجمن های اسلامی اصناف و معتمدین بازار و اصناف گفت:

"معتمدین بازار، اولین کسانی بودند که جرعه هارزه در جان آنان افتاد و این بار امانت را گرفتند و عامه بازار نیز در این جهت کفالت شدند. لذا این قشر در مجموع، نسبت کمک و مساعدت به نهضت از نسبت کمک و یاری دیگر قشرهای مشاغل بیشتر بود" (ج ۱۰ - ۱۱ اسفند)

این اولین بار نیست که آقای رئیس جمهور از حامیان اقتصادی و ولی نعمت های خود قدر شناسی می کند. اما مردم این "معتمدین" رئیس جمهور را به خوبی می شناسند. این اشخاص، کسانی جز سگراولادی ها، خاموشی ها، پورا ستادها و هم پالکی های آنها نیستند.

آقای خامنه ای به خوبی می داند که انقلاب محصول فداکاری، قهرمانی و از خود گذشتگی بی نظیر کارگران و زحمتمشان کشورمان بود. معتمدین بازاری "ایشان لنگ لنگان و بعد از روشن شدن

سرنوشت نبرد خلق و رژیم خائن پهلوی به ایسن نبرد پیوستند و بعد از پیروزی انقلاب به "همت والای آقای خامنه ای و امثالهم بر سرنوشت و مقدرات انقلاب حاکم شدند.

اما آقای خامنه ای به اظهارات بالا بسند نمی کند. او بازاریان را به ایفای نقش بیشتر در سیاست کشور فرا می خواند و می گوید:

"انتخابات، یکی از مسائل اساسی است که امام امت نیز تکلیف شما را در این زمینه مشخص فرمودند" (همانجا)

این سخنان آقای خامنه ای به روشنی بیانگر سمت و سوی سیاست حاکمیت ج.ا. و نیز گرایش شخص رئیس جمهور، به مثابه یکی از پرچمداران این سیاست در دفاع از بازار و به ویژه لایه های بالایی آنست.

آمار گمرک نشانگر احیاء وابستگی به امیرالایسم

گمرک ایران فعالیت های این سازمان را در دی ماه سال جاری اعلام کرد. بر اساس این گزارش کالاهای ترخیص شده در دی ماه سیال جاری نسبت به ماه مشابه سال قبل ۴۲/۷ درصد از نظر وزن و ۹۱/۷ درصد، از لحاظ ارزش افزایش نشان می دهد. این گزارش نشان می دهد صادرات کشور در ماه مورد بحث در مقایسه با ماه مشابه سال قبل ۷/۸ درصد، از نظر وزن افزایش و ۱۱/۶ درصد، از لحاظ قیمت کاهش داشته است.

این آمار در عین حال نشانگر آنست که واردات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی، روز به روز افزایش می یابد و هم زمان با آن صادرات کشور بی وقفه کاهش می گیرد.

طبق همین آمار، طی دی ماه امسال ۷۰۱۳۹ تن مسافر از طریق گمرکات هوایی، زمینی و دریایی به کشور وارد شدند که تعداد ۱۵۱۱ تن آنها ایرانی و بقیه خارجی بودند. مطمئناً ۵۰ هزار مسافر خارجی که ظرف یک ماه وارد ایران شده اند به انگیزه سیاحت ویرانی های جنگ خانمانسوز و باز دیدار به اصطلاح "معجزات" حاکمیت ج.ا. به ایران نیامده اند! اکثریت این مسافران بقیه در صفحه ۱۳



"راه سووم!"

اصلاحات ارضی بنیادی و نوسازی روستاها پیش شرط حل مسئله روستائیان است

روستائیان به شهرها شدت گرفت و امروز ابعاد این مهاجرت دامنه غول آسایی به خود گرفته است. به طوری که اکنون میزان مهاجرت، از سالی یک میلیون نفر نیز تجاوز نموده است. به عبارت دیگر، به دو برابر میزان قبل از انقلاب رسیده است. امروز نسبت شهر نشین ها به روستائین ها، برابر ۲۲٪ به ۳۸٪ است. افزایش جمعیت تهران از ۴/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۷، به حد دو و ۹-۸ میلیون نفر در سال ۱۳۶۲، خود گواه این افزایش شدیدی جمعیت شهرهاست.

دیگر شهرهای بزرگ، مانند تبریز، شیراز، اصفهان، مشهد و کرمانشاه نیز وضعیتی مشابه تهران دارند. جمعیت تبریز، در مدت کوتاهی

بیمارگونه و ضد اقتصادی به خود می گیرد. دهات و مزارع را به سرعت به ویرانی می کشاند. در شهرها دشواری های گوناگونی پدید می آید و بسیاری میلیونها دهقان و عشایر آواره و حاشیه نشین های شهرها فلاکتهای بی شمار و تراژدی های انسانی جان خراشی به بار می آورد. جامعه ایران در زمان رژیم ضد ملی و فاسد شاهنشاهی، چنین منظره ای داشت. اینک این روند، نه تنها متوقف نشده، بلکه (نسبت به دوران قبل از انقلاب) ابعادی غول آسارتر به خود گرفته است.

ابعاد مهاجرت

۲۰ سال پیش، هر ساله حدود ۶۰ هزار دهقان، مناطق روستائی را ترک می گفتند. یک سال

مسئله مهاجرت روستائیان به شهرها هم چنان به مثابه یکی از معضلات بزرگ و حاد رژیم ج.ا.ایران باقی مانده است. صاحبان های مسئولین اجزائی کشور، نطق های پیش از دستور نمایندگان مجلس، خطبه های نماز جمعه و مقالات جراید مجاز کشور، همگی بر این واقعیت تأکید دارد.

صرف نظر از جنبه های مختلف مسئله، مهاجرت روستائی که توسط مسئولین کشور و جراید مجاز مطرح می شود، اکثریت قریب به اتفاق آنها تلاش دارند اهمیت و به ویژه ماهیت این معضل اجتماعی را به کلی دگرگون جلوه دهند. مسئولین رژیم در باره عواقب این مسئله، حاد جنجالهای تبلیغاتی به راه می اندازند و می کوشند گناه همه



گوشه ای از شرایط دشوار و رقت آور زندگی مهاجران روستائی، این قربانیان رشد سرمایه داری وابسته در کشورمان

از ۷۰۰ هزار نفر، به یک میلیون نفر رسید (اطلاعات ۱۱ بهمن ۶۲)

بعد از انقلاب، جمعیت اهواز در مدت کوتاهی از ۳۸۰ هزار نفر، به یک میلیون نفر رسیده است. در منطقه حصر آباد و دولت آباد اهواز، عددهای با شگفتی کوه و تسطیح اراضی، برای خود خانه ساخته اند.

جالب توجه است که بیش از ۵۰٪ از مهاجرین را روستائیان بین سنین ۱۵-۳۴ سال، یعنی سنین اوج قدرت کاری تشکیل می دهند.

برخی از علل عمده مهاجرت

۱- مسئله ارضی:

نحوه تدوین و اجرای اصلاحات ارضی شاهانه، علت مهم آغاز مهاجرت وسیع روستائیان بود. نیم بند بودن اصلاحات، ماهیت طبقاتی و نحوه ضد دهقانی اجرای آن در محیط ترور و خفقان آریامهری یکی از عمیق ترین ریشه های مهاجرت روستائیان بود. (دنیای شماره ۱۴، سال ۵۶)

اینک حاکمیت ج.ا.ایران با چرخش به راست بقیه در صفحه ۱۲

قبل از انقلاب این رقم به حدود نیم میلیون نفر بالغ می شد. در سال ۱۳۴۵، شهر نشین ها ۳۸٪ و روستائینان ۶۲٪ جمعیت کشور را تشکیل می دادند. در سال ۱۳۵۵ این نسبت به ترتیب برابر ۴۸٪ و ۵۲٪ بود. در ماه های قبل از انقلاب و دوران بعد از بهمن ۵۷، مهاجرت روستائیان به شهرها به مقدار قابل ملاحظه ای کاهش یافت. علت اصلی این امر دستیابی دهقانان به زمین مالکانی بود که بر اثر اوج گیری مبارزات دهقانان و پیروزی انقلاب، از تسریس، فراری و یا مخفی شده بودند. برخورداری نسبی دهقانان از خدمات جهاد سازندگی، عمرانی نسبی در دهات و توجه به برخی از حادترین نیازهای زندگی و معیشت دهقانان که عمدتاً حاصل تلاش و مبارزه خود دهقانان و ایثار و فد آکاری نیروهای انقلابی بود، نیز در کاهش مهاجرت روستائیان نقش داشت.

با رکود و سپس بازگشت انقلاب، این دست آورد های جنبش دهقانی، مورد هجوم کلان زمین داران قرار گرفت. با آغاز بازگشت مالکان پسه ده و کمک مأموران رژیم ج.ا.ایران به آنها، در امر پس گرفتن زمین های زراعی دهقانان، موج مهاجرت

نابسامانیهای کشاورزی را به پای مهاجرت روستائیان بنویسند و معلول را به جای علت بنشانند. این حضرات نه تنها علل واقعی این گونه مهاجرت های گسترده را پنهان می کنند، بلکه می کوشند تمام نابسامانیها و نارسائی های زندگی شهری، کمبود مسکن و گرانی مواد غذایی را ناشی از هجوم روستائیان به شهرها، انگیزه در پی «تفنن و تفریح» می آیند، جلوه دهند.

بررسی اجمالی مسئله مهاجرت روستائیان، تشبیهات عوام فریبانه رژیم را نمایان می سازد و از چهره تبلیغات دروغین پرده برمی دارد.

مهاجرت روستائیان به شهرها پدیده قانونمند رشد سرمایه داری

انتقال جمعیت از ده به شهر، در نتیجه رشد سرمایه داری در جامعه، پدیده ای قانونمند است. در صورتی که این انتقال با رشد صنایع، مکانیزاسیون کشاورزی و جذب نیروی کار به صنعت همراه باشد، روند مهاجرت شکلی طبیعی به خود می گیرد. اما پدیده مهاجرت های روستائی در کشورهای رشد یافته و در شرایط رشد ناموزون سرمایه داری وابسته، ابعاد غیر طبیعی و ماهیتی

اصلاحات ارضی بنیادی و ...

بقیه از صفحه ۱۱

خود در زمینه سیاست داخلی و خارجی و با احیاء نظام منحصراً سرمایه‌داری وابسته، سیاست ارضی رژیم شاه را تعقیب می‌کند. امروز عمده ترین علت افزایش مهاجرت روستائی، سرریز زدن رژیم چ ۰۱۰ از محل بنیادی مسئله ارضی است. این واقعیت را می‌توان از خلال گنگوها و گزارشات برخی از نشریات مجاز چ ۰۱۰ با دهقانان و روستاهای کشور دریافت.

یک کشاورز سابق و حاشیه نشین قمرزده شهری امروز می‌گوید:

"سال‌های سال روی زمینی که متعلق به مالک بود کار کردم و وقتی دیدم دستهایم همیشه خالی است، برای داشتن یک زندگی بهتر به شهر آمدم و حالا هم به سختی روزگار می‌گذرانم. یکی از اهالی روستای زنی آباد:

"باید مسئله زمین را حل کنند و قیمت محصولات را عادلانه تعیین کنند. البته مدتی است سروکله مالک ده پیدا شده که با ایستادگی اهالی نتوانسته کاری انجام دهد" (کیهان ۲۰ بهمن ۶۲).

"زمین کاشته شده دهقانان را دوباره شخم زدند و مالکین فراری این زمین‌ها را به تصرف خود درآوردند" (اطلاعات ۵ دی ۶۲).

"فقودال‌ها توسط برخی حکام شرع جان تازه‌ای گرفته‌اند آنان کلیه ساکنان روستای "گله دار" در اقلید فارس را به زور وادار به تخلیه ده کردند و دهقانان که در برابر مأموران انتظامی مقاومت کردند به زندان افکند شده‌اند".

(اطلاعات ۱۴ خرداد ۶۲)

"عواملی که سبب مهاجرت روستائیان می‌شود عدم امنیت ناشی از بازگشت مالکین و اختلاف آن‌ها با کشاورزان است. زیر همین فشارها روستائی ابهر در ماههای اخیر به کلی از سکنه خالی شده است" (کیهان ۱۵ آذر ماه ۶۲)

غفور سلیمی اهل روستاهای سقز:

"چند روز است که به همراه چند نفر دیگر از اهالی روستایمان برای پیدا کردن کار به تهران آمدم من در روستا کشاورزی می‌کردم ولی درآمد آن حتی کفاف زندگی ساده خانواده مرا نمی‌داد به همین دلیل به تهران آمدم" (۱۶ اسفند ۶۲ کیهان).

"مدتی است که به طور مرموزی از سوی بعضی از قضات با پرونده سازی اراضی را از دست کشاورزان که ده سال روی زمین کار کرده‌اند خارج و به عمده مالکین برمی‌گردانند و در صورت امتناع از اجرای حکم آنها را به زندان می‌اندازند از جمله جمعی از کشاورزان گرمسار که اخیراً زندانی شده‌اند" (اطلاعات ۳۰ آذر ماه ۶۲)

جدول زیر نمایانگر شمای کلی وضعیت مالکیت زمین بعد از گذشت پنج سال از پیروزی انقلاب است. همان طوری که در این جدول دیده می‌شود اساس و پایه نظام بزرگ مالکسی در کشور ما دست نخورده باقی مانده است و حیل ریشه‌ای مسئله زمین و اصلاحات ارضی بنیادی در دستور روز نیروهای انقلابی قرار دارد.

شمای از وضعیت زمین در دست زارع و مالک با گذشت ۵ سال پس از پیروزی انقلاب

| نام استان | نام روستا | میزان زمین مالک | تعداد خانوار روستائی | میزان زمین زارعین | متوسط زمین یک زارع | میزان زمین مالک به زارع |
|-------------|-----------|--------------------------|----------------------|-------------------|---------------------------|-------------------------|
| کردستان | آونگ | ۹۰۷ هکتار | ۲۲۵ خانوار | ۱۲۴۲ هکتار | ۳-۲ هکتار | ۳۰۰ برابر |
| " | چهارگاه | ۸۰۰ " متعلق به آنفر | ۵۵ " | ۴۱۲ " | ۸-۷ " | ۴۲ " |
| " | دزج | ۹۰۰ " متعلق به یک مالک | ۴۳۰ " | ۱۲۸۵ " | ۳-۲ " | ۳۰۰ " |
| " | دلیران | ۳۶۲ " | ۷۵۹ " | ۵۸۵ " | کمتر از یک هکتار | ۳۵۰ " |
| " | قصران | ۱۳۵۰ " | ۲۴۰ " | ۷۲۰ " | ۳/۵-۲ " | ۴۵۰ " |
| همدان | - | ۵۴۰ " | ۱۲۰ متر مربع | ۱۲۰ متر مربع | ۱۲۰ متر مربع برای یک زارع | ۴۵ هزار برابر |
| اصفهان | - | ۳۲۳/۲ " | ۳۰ متر مربع | ۳۰ " | " | ۱۰۸ " |
| استان مرکزی | - | ۱۷۰ " | ۱۱۰ متر مربع | ۱۱۰ " | " | ۱۵۰ " |
| کردستان | ۴۸ روستا | ۱۹۳۳۷ " متعلق به ۵۵ مالک | ۸۱۵۰ خانوار روستائی | ۴۶۲۳۶ هکتار | ۵/۶-۷ هکتار دیم | - |

مأخذ آمار و ارقام جدول: (۱) دنیا نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران شماره ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۹.

(۲) روزنامه اطلاعات ۲۱ آذر ماه ۶۲.

۲- تفاوت فاحش شهر و ده:

علت دیگر مهاجرت روستائی، فقدان وسائل عادی زندگی در ده و ابتدائی ترین عوامل رفاهی؛ مسکن نامناسب، تغذیه بد، فقدان بهداشت و آموزش است که فاصله آن را با وضع موجود شهرها، مرتباً افزایش می‌دهد.

همان گونه که گفته شد، بعد از پیروزی انقلابی عمده تا بر اثر حضور انقلابی دهقانان و نیروهای انقلابی، در این زمینه به طور نسبی گام‌هایی برداشته شد. ولی با پشت کردن سران چ ۰۱۰ به اهداف انقلاب و خیانت به توده‌های زحمتکش، این دست‌آورد جنبش دهقانی نیز مورد هجوم قرار گرفت. اینک فاصله روستاها با وضع موجود شهرها، روز به روز بیشتر می‌گردد.

یکی از روستائیان می‌گوید:

"روستای ملی کنده" در حال نابودی حتمی است. عمده مسئله‌ای که روستای ما با آن روبروست کمبود آب و راه و حمام، برق و بهداشت است" (کیهان ۱۶ اسفند).

نماینده قروه توضیح می‌دهد:

"آن کسی که در خانه گرم و آنچنانی بوده اصلاً نمی‌تواند بفهمد روستائی در زمستان چه می‌کشد. در زمستان پارسان در همین منطقه ما، چندین زن روستائی که وضع جملشان نزدیک بود، برای آوردن به شهر در بین برف و باران و سرمای شدید کردستان ماندند و جانشان را از دست دادند" (اطلاعات ۲۱ آذر ۶۲).

امروزه دردهات برخی از کالاهای اساسی که با کوبن توزیع می‌شوند به دشواری می‌توان تهیه کرد و در بسیاری از مناطق، این کالاها غیر قابل دسترسی است. این مسئله در مورد بقیه در صفحه ۱۴

ده گل سرخی که به انقلاب ایران هدیه شد!

بقیه از صفحه ۱

نامه خوانندگان

● دوست عزیز "شیدا" از اطریش: از این که به خواست ما در مورد ارسال شعر جدید پاسخ گفتید، سپاسگزاریم. تلاش شما در بیان شاعرانه مضمون، در خورد توجه است. ولی باید در نظر داشته باشید که انتخاب وزن، شاعر را موظف به رعایت کامل آن می‌سازد. هر چند برخی از بزرگان شعر به انتقال وزن (بحر) دست می‌یازند، ولی این شیوه بر اساس معیارهایی انجام می‌گیرد. در ضمن، باید متذکر شویم که اگر با شعرهای کوتاه آغاز کنید، نه تنها از کمبود در مختصات قی کاسته خواهد شد، بلکه پیشرفت بیشتری در این امر خواهید داشت. پاره‌ای از شعر را نقل می‌کنیم؛ با این امید که باز هم برای ما شعر بفرستید:

"تیشه" فریادها / صخره‌های ساکن
اندیشه‌هایم را شکست / شعله صدها قیام /
جنگل تاریک افکارم بسوخت / سخن از رزم
بگو / سخن از چیره شدن / شعله را شیوه
شدن "

● "آرش" از پاریس شعری برای ما فرستاده است که در آن چهره "پلید ارتجاع حاکم بر ایران" را نشان می‌دهد و با امید به آینده، می‌سراید:
"باز می‌روید سپاه لاله‌ها در این جهان /
پیر شود دنیا ز آوای همه زحمتکشان"
به توضیحاتی که به "شیدا" داده شده است توجه کنید.

● دوست عزیزم ذ. از سوئد - مقاله شما پیرامون اعدام ۱۰ تن از اعضای حزب توده، ایران به دست ما رسید. از کوششی که کرده‌اید سپاسگزاریم. موفق باشید.

● دوست عزیز، هشیار - نامه شما به دست ما رسید. این اولین باری بود که نامه‌ای از شما دریافت می‌کردیم. در مورد تقاضائی که کرده بودید، اقدام خواهد شد. با آرزوی موفقیت برای شما.

● دوست عزیز از زالتسیورگ، مطالبی را که از روزنامه‌های اطریش در مورد ایران جد کرده بودید به "راه توده" رسید. از همکاریتان متشکریم و برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۰

نمایندگان شرکت‌های تجاری و صنعتی امپریا - لیستی و یا کارشناسان شرکت‌های امپریالیستی هستند که در چار چوب سیاست رژیم ج.ا.م.بی بر احیا وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و به منظر غارت و چپاول ثروت‌های ایران به کشور ما مسأرت کرده‌اند.

جمهوری به بهروزی برسند و به همین دلیل از آن دفاع کردیم. این دفاع صادقانه بود و امیدوارم باردیگر فرصتی پیش‌آید که از انقلاب دفاع کنیم و صداقت خود را یک بار دیگر ثابت کنیم. من بر سر عقاید خود ایستادم."

دژخیمی که گسری سعادت‌ی را فشرده، دژخیمی که سینه سلطان پور، آن آفتاب کار جنگل‌های آستارا را به جوخه اعدام نشان داد، دژخیمی که رقص مرگ بر پیگیر به خون خفته وفاداران به انقلاب را عین عبادت می‌داند، چگونه می‌تواند این قلب پر مهر و سرشار از عشق به مردم را در کنار افسران میهن دوست و دیگر توده‌های مدافع انقلاب، به گلوله ببندد؟

در آن سحرگاه خونین، سرنوشت افسران وطن دوست و دیگر توده‌های به خون غلطیده، با سرنوشت قهرمانان ملی‌ایران که جان پر کف، برای بهروزی خلق ایران مبارزه کرده‌اند، پیوند خورد. تاریخ با خون آنها، رنج نام‌ه میلیون‌ها زحمتکش ایرانی را که با امید بنهادن ایرانی آزاد و آباد به خیابان‌ها ریختند، و اکنون به آرمانهایشان خیانت شد، می‌نویسد!

جنایاتی که در شکنجه‌گاهها در حق افضلی‌ها، عطاریان‌ها، فرزندان، خاضعی‌ها، کبیری‌ها و دیگران اعمال شده برای همیشه پنهان نمی‌ماند. باید یک یک آنها را بازگو کرد و نوشت. مردم ایران باید بدانند که این سرداران شهید، برای حفظ انقلاب و سد کردن راه خیانت رژیم ج.ا.م. به انقلاب در عرصه‌های کار و پیکار چه حماسه‌ها آفریدند؛ آنچه را که طراحان کودتای خزنده علیه انقلاب و حزب توده، ایران تلاش می‌کنند بر ملا نشود، باید در پیشگاه خلق ایران افشا کرد.

مردم شریف ایران!

باید از نحوه بازجویی‌ها، تمام مطالب عنوان شده در بیدادگاه‌های رژیم ج.ا.م. متن کامل دفاعیات شهدا، وصیت‌نامه‌ها و آخرین لحظات حیات افتخار آفرین آنان آگاه شد! این یسک وظیفه ملی و میهنی است! این مطالب که بی‌شک در تاریخ انقلاب ایران ثبت خواهد شد، باید با وسواس و دقت لازم جمع‌آوری شود.

ما یقین داریم، بخش‌عمده‌ای از این اطلاعات از همان پیغوله‌ها و فراموشخانه‌های رژیم ج.ا.م. به بیرون درز خواهد کرد. باید کسانی را که به نحوی از انحاء از جزئیات این جنایت مطلع‌اند و سکوت بر وجدانشان سنگینی می‌کند، تشویق کرد زبان بکشایند.

بشردوستان مرفی جهان!

باید این جنایات را که بر پیشانی خائنین به انقلاب ایران ننگ ابدی می‌نشانند در وسیع‌ترین حد ممکن محذوم کرد و تکرار آن را ناممکن ساخت.

خائنین به انقلاب که یارای تحمل دفاع شرافتمندانه این میهن دوستان را نداشتند با شلیک سرب داغ، قلب سرشار از وطن دوستی - تنان را از طیش بازداشتند.

آنها در بیدادگاه رژیم ج.ا.م. با جسارتی به سترگی قضات تاریخ فریاد برکشیدند:

ما در تمامی سالهای پس از پیروزی انقلاب، حتی لحظه‌ای از تلاش برای دفاع از انقلاب و آرمان‌های والای آن بازنیستادیم! توطئه‌های ضد انقلاب را خشی تردیم، در میدانهای لگد کسوب شده، پادگان‌های ارتش، ارتش مدافع رژیم شاهنشاهی، سنگر دفاع از توده‌های زحمتکش را حفر کردیم و سینه دشمنان مردم را نشانسه گرفتیم. در جبهه‌های جنگ راه را بر متجاوزین سد کردیم و در پیگیر مقدس ناخدا همتی هزار بار به عشق وطن در خلیج فارس کشته شدیم.

شرم کنید! ما را بکشید، وای بر انقلاب!

گردانندگان بیدادگاه‌های ج.ا.م. مانند بسیاری دیگر از سردمداران آغوش گشوده برای امپریالیسم، در برابر این فریاد برآمده از گسوی خونین انقلاب هیچ پاسخی نداشته و نخواهد داشت و هر آنچه را که تا کنون گفته‌اند، طوفان حقیقت، در مرداب عفن وطن فروشی، فریب، دروغ، خیانت و ظلم پیشگی دفن خواهند کرد. مگر با اسلاف آنان چنین نکرد؟ خلق را نادان تصور کردن و به تاریخ تسخر زدن - عسای - بخردی است. زهره جنایت‌کاران مسلط بر حاکمیت ایران نیز، چنین است.

رژیم جنایتکار پهلوی، هنگامی که مدافعین حقوق زحمتکشان را به گلوله می‌بست، نیز چشم به چنین سرایی دوخته بود. اما خلق با آگاهی و تاریخ با لبخند پیروزی، به این نابخردی پاسخ جانانهای داد. و به یقین هر دوی این داوران، پاسخ درخورد جنایتکاران رژیم ج.ا.م. را نیسز خواهند داد.

این شهدای تازه به خاک افتاده با پیکرهای شکنجه دیده، در همان چند ساعتی که مجال یافتند در اصطلاح دادگاه‌های ج.ا.م. لب بگشایند، با سرفرازی از وطن پرستی و مردم دوستی و بیبی که از سرانجام سرنوشت انقلاب، قلبشان را به درد می‌آورد سخن گفتند.

این فرزند جهاد است که با استفاده از چند دقیقه مجالی که در بیدادگاه تدارک شده برای حضور خبرنگاران خارجی به او داده شد، با زوی خیال را به شانه‌های ستر خسرو روزه تکیه داد و در حالی که چشم به پیش سحرگاه خونین میدان تیرباران اوین دوخته بود، گفت:

"... ما سربازان گمنام انقلابیم. من برای تخفیر حکمی که برام صادر خواهد شد سخن نمی‌گویم، ما در این جمهوری، آرزوهای خسود را دیده بودیم. انتظار داشتیم فرزندمان در این

جنايات رژيم ج.ا. عليه توده‌اي‌هاى در بند را افشا كنيم!

بقیه از صفحه ۱

انتقام جوئی سزدمداران ج.ا. است که تشقی می‌یابند و جان‌ها و زندگی‌های پرباری که هر لحظه قربانی می‌شوند.

در هفته گذشته، اخبار مربوط به "محاکمه" اعضا و هواداران "حزب توده" ایران در رشت شیراز، تبریز، رامسر و دیگر شهرهای ایران در روزنامه‌های مجاز کشور به چاپ رسیده است. این دادگاه‌ها "بر همان پایه‌های استوار است که بیدادگاه‌های نظامی تهران بر اساس آن‌ها برپا شده بود: خالی از اغیار، پشت درهای بسته، بی‌حضور وکیل مدافع و خبرنگاران داخلی و خارجی و بستگان "متهمین" و همچنان بی‌رعایت‌ترین موردی از موازین آئین دادرسی کیفری مصوب ارگان‌های قانونگذاری ج.ا. تنها تفاوتی اگر هست در طرد هر چه بیشتر حقوق "متهمین" و جاری نردن داورى‌هاى جابرانه در حق "هواداران" حزب است. روزنامه "ج.ا. خبر می‌دهد:

"محاکمه حدود ۴۰ تن از اعضا و هواداران حزب ۱۰۰۰ از پیروز در دادگاه انقلاب اسلامی رشت آغاز شد." اطلاعات از قول حجت الاسلام شجاعی، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز، در مورد "محاکمه" ۲۳ تن از اعضا و هواداران حزب می‌نویسد: "این افراد از هواداران ساده حزب ۱۰۰۰ بودند که در دادگاه محاکمه و به زندان محکوم شدند."

دادستان انقلاب اسلامی استان گیلان در گفتگویی با خبرنگار ج.ا. اعلام می‌کند: "۱۰۰۰ محاکمه تعدادی از اعضا و هواداران این حزب که در شهرهای لاهیجان و لنگرود در بازداشت به سر می‌برند، به زودی آغاز خواهد شد."

حاکمیتی که ابتدا در بوق و کرنا می‌دمید فعالیت حزب توده ایران ممنوع نیست آن‌ها تنها "عده‌های جاسوس و خائن" را دستگیر کرده‌اند، اینک "هواداران ساده" حزب را که با تمامی سرمایه وجدانی و انقلابی خود، در مقابله با توطئه‌های رنگارنگ دشمنان مردم و انقلاب ایستاد هاند به پای میز محاکمه می‌کشد و محکوم می‌کند. در این میان چه چیز تغییر کرده است؟ آیا ناگهان این "هواداران ساده" به "جاسوس" و "خائن" بدل شده‌اند و یا در زندان در صدد کسب "اطلاعات نظامی" برآمده‌اند و غیبیه "امنیت کشور" اقدام کرده‌اند؟ یا ...

پاسخ روشن است. در این مدت، نه برنامه و آرمانهای مردمی حزب توده ایران تغییر کرده است و نه آن "هواداران ساده" که برای ژرفا بخشیدن و گسترش انقلاب و رهاندن آن از خطر شکست، جانانه رزمید هاند. علت را باید در امر دیگری جستجو کرد: در قصد آگاهانه حاکمیت به در پیش گرفتن راهی که به اسارت در چنگال امپریالیسم انتهای است و زبونی رسوایی آرا و در دستیابی به "پیروزی نهائی" در جبهه

های جنگ!

حجت الاسلام ری شهری، حاکم شرع دادگاه‌های نظامی ج.ا.، علت در بسته بودن محاکمات را چنین بیان می‌کند:

"تنها مسئله‌ای که سبب شد از حضور خبرنگاران خارجی مانعت شود، جنبه امنیتی قضیه و مسائل محرمانه نظامی است که در دادگاه مطرح می‌شود." (اطلاعات - ۲۹ آذر). این دستاویز رنگ زده که تنها به کار خود-فریبان می‌آید، اکنون دیگر، به کلی خاصیت خود را از دست داده است. اکنون دیگر نمی‌توان "اعضا و هواداران" حزب را در سراسر کشور زیر تیغ برای شمشیری عدالتی حکامان شرع ج.ا. برد و از بیم برملا شدن "مسائل محرمانه نظامی" سخن گفت!

واقعیت آنست که همان "مسائل غیرمحرمانه" و افشا گرانه‌ای که راه عبور خبرنگاران داخلی و خارجی، ناظران بین‌المللی، وکلا و حقوق دانان جهانی و خویشان "متهمین" را به بیدادگاه‌های نظامی تهران سد کرد، بر در دادگاه‌های فرمایشی شهرستانها نیز قفل می‌زند. این نه بیم از برملا شدن "مسائل محرمانه"، بلکه خوف از آشکار شدن جنایات، شکنجه‌ها و متن کامل دفاعاتی است که "متهمین" در فرصت‌های کوتاه از خود، آرمانهای انقلابی خود و انقلاب به عمل می‌آورند. گزارشات بسیار مختصر و تحریف شده‌ای که در اثر فشار افکار عمومی ایران و جهان، در روزنامه‌های سانسور زده "مجاز کشور" به چاپ می‌رسد، تنها نوک این کوه یخ را می‌نمایاند.

یکی از متهمین در بیدادگاه شیراز اعلام می‌کند: "۱۰۰۰ چون این تشکیلات سیاسی بود و در جهت انقلاب کار می‌کرد ۱۰۰۰ عضو است آن را پذیرفتیم" (کیهان - ۴ اسفند). و ادامه می‌دهد:

"در جهان دنیوی، یعنی انقلاب و دیگری نیروی ضد انقلاب است. فکر می‌کردم انقلاب ایران زمانی می‌تواند جان بگیرد که متعلق بشود به جبهه انقلاب‌ها ۱۰۰۰ من آمار اراضی موات و مالکین بزرگ را به تهران می‌دادم و برنامه‌های نقالی و تعزیه خوانی تهیه می‌شد. هدف بازگویی ظلم خونین و مالکین و فئودالها در روستاها بود." (کیهان ۴ اسفند).

دادستان انقلاب شیراز، در کیفرخواست خود، "متهم" را "یکی از نیروهای فعال علیه اسلام و مسلمین و چهره خائن در کودتای خرنده فارس ۱۰۰۰ معرفی می‌کند و بر اساس ماده ۱۹۸ قانون حدود و قصاص و نیز به جرم داشتن "مذهب" "سوسیالیستی غمعی" (!) برای او اشد مجازات تقاضا می‌کند.

ماده ۱۹۸ این قانون تصریح دارد: "هر گروه یا جمعیتی متشکل که در برابر حکومت اسلامی، قیام مسلحانه کند، تمام افسراد و بقیه در صفحه ۱۵

اصلاحات ارضی ...

بقیه از صفحه ۱۲

کالاهای سهمیه بندی شده، ابعاد به مراتب بزرگتری به خود می‌گیرد. واقعیات نشان می‌دهند که در آینده فاصله بین شرایط شهر و ده از وضع موجود نیز بیشتر خواهد شد.

سیاست عوام‌فریبانه توأم با تهدید و زور

سران رژیم امروز تلاش می‌کنند علل عمده مهاجرت روستائی را که با سیاست عمومی ضد دهقانی آنها ارتباط مستقیم دارد، مسکوت بگذارند. آنها می‌کوشند که نگاه‌ها را به علل فرعی و چه بسا موهوم و دروغین متوجه کنند. آقای نخست وزیر می‌گوید:

"جاذبه شهری، عامل اصلی در مهاجرت روستائی است و بعد از انقلاب جاذبه‌های دیگری نیز افزوده شده که در هیچ جای دنیا سابقه ندارد. برای بهداشت، مسجد، برای نماز جمعه، برای استفاده از راهپیمائی‌های شورانگیز می‌آیند، چهره نورانی امام را احتمالاً ببینند ۱۰۰۰. و ما باید سعی کنیم جاذبه را به نوعی از بین ببریم!" (کیهان ۲۹ آذر ۶۲).

آنها تلاش دارند مهاجرت روستائی را علت بسیاری از مشکلات اجتماعی معرفی کنند و می‌گویند:

"ما به این نتیجه رسیدیم که فساد، خود معلول علت‌های است که یکی از این علل مهاجرت‌های بی‌رویه و بی‌حساب و کتاب از روستاهاست ۱۰۰۰ (ناطق نوری، اطلاعات ۱۰ دی ماه ۶۲). اگر بسیاری از مشکلات ناشی از جنگ است، ولی مهاجرت بی‌رویه در این مسأله نقش حساس دارد" (جنتی، کیهان ۲۲ آذر ۶۲).

رژیم ج.ا. برای حل این معضل عظیم اجتماعی از آنجائی که به خلق و اهداف انقلاب پشت کرده است، جز زور و تهدید و ابرساب وسیله‌ای نمی‌یابد. آقای جنتی می‌گوید:

"باید جلوی این کار گرفته شود این جا جای ترحم نیست. می‌گویند مستضعفان است، آیا مستضعف حق قانون شکنی دارد. این مستکبر فقیر است (!) آنجا که قانون حق گذشت و عفون داده، آنجا جای قاطعیت است آن جا باید در مقابل هر کس (؟) باشد ایستاد" (کیهان ۲۲ آذر ۶۲).

خضراتی که نه تنها در مقابل جنایات محتکرین و "تروریست‌های اقتصادی" سکوت می‌کنند و بلکه دست این زالوهای اجتماعی را در مکیدن آخرین قطرات خون زحمتکشانشان باز گذاشته‌اند، مهاجرت روستائی را بدترین گناه شمرده، می‌گویند.

"گناه مهاجرت روستائیان، از گناهان کبیره است ۱۰۰۰ یک روستائی برای این که یک قدری آن رفاه مورد نظرش را در روستا نمی‌بیند راه شهر را در پیش بگیرد ۱۰۰۰ این گناه است و با هیچ گناه معمولی قابل قیاس نیست. از شراب خوردن زنا کردن، احتکار کردن از همه اینها بدتر است

تجاوز نظامی ایالات متحده به حق حاکمیت مردم ایران

● تسلیم طلبی سران ج.ا.د در برابر امپریالیسم آمریکابخشی از استراتژی جنگ توسعه طلبانه است

بقیه از صفحه ۱
فراز آن می گذشت چند موشک شلیک کرد . همین روزها و به یک کشتی نظامی ایرانی که در مرزهای آبی ج ۱۰ گشت می زد اخطار کرده که از منطقه حاکمیت آمریکا (؟) دور شود . اخطاری که از سوی حاکمیت ج ۱۰ گردن نهاده شد . محافظان بین المللی این وقایع را به عنوان آغاز عملیات جنگی ایالات متحده علیه ایران ارزیابی کرده اند . پس از این حوادث واحد های هوایی و دریایی ج ۱۰ از نزدیک شدن به حریم "حاکمیت" آمریکا - لیسم آمریکا در همسایگی مرزهای آبی میهن ما اکیدا خود داری دردهاند (؟!)

مقامات پنتاگون با وقاحت توهین آمیزی اعلام کرده اند که گویا هواپیمای ایرانی در ارتفاع بسیار پائین از منطقه عبور می کرده است و کشتی ایرانی نیز "بیش از حد" به مرزها و آمریکا نسی نزدیک شده است !

در طول سالهای پس از انقلاب شکوهمند بهمن ، ایالات متحده آمریکا ، هرگز با چنین گستاخی تحقیر آمیزی حق حاکمیت ملی مردم ما را لگدمال نکرده است . خیره سری امپریالیسم آمریکا در تجاوز نظامی به میهن ما ، حاصل تحولاتی است که به دنبال چرخش به راست نهایی بهمن ۶۶ در حاکمیت ج ۱۰ رخ داده است و سران ج ۱۰ را به مواضع آشکارا تسلیم طلبانه در برابر امپریالیسم جهانی کشانده است .

نظامی آمریکا در تنگه هرمز مستقر شد ، آنان برای احتراز از برخورد نظامی با امپریالیسم آمریکا به سرعت تهدیدات خود را پس گرفتند ، آقای خامنه ای اعلام کرد :

" حرف ما از اول همین بوده است و خواهد بود که تا وقتی که کشتی های ما از تنگه هرمز عبور کنند با کسی کاری نداریم " (نماز جمعیه - ۵ اسفند)

به این ترتیب لفاظی های پوچ غیرمستولانه و از اساس نادرست آنان در باره بستن تنگه هرمز در عمل به صورت ارسال دعوتنامه برای ناویگان آمریکا برای استقرار در تنگه هرمز درآمد .

از سوی دیگر هفته گذشته عراق ستونی از کشتی های رهسپار بندر خمینی را بمباران کرد . این بمباران به تأیید مقامات ایرانی به آسیب دیدن دو کشتی انجامید . تهدید عراق در باره بمباران بندر خارک نیز باعث شد که اتحادیه صاحبان و کارگران نفتکش ژاپنی رفت و آمد این نفتکش ها به بندر خارک را ممنوع اعلام کند . افزون بر آن کشتی های نظامی ایران نیز در نتیجه تهدید ایالات متحده ، دیگر حق عبور از " منطقه ممنوعه " تنگه هرمز را ندارند . اینک امنیت عبور و مرور کشتی های ایران از تنگه هرمز آشکارا مختل شده است اما در همین جاست که لفاظی های پرخاشگرانه ، به سکوت تسلیم طلبانه می انجامد . مهم ترین واکنش حاکمیت ج ۱۰ در برابر ماجراجویی های ایالات متحده در خلیج فارس صدور اعلامیه ای اعتراض آمیز و توضیح مواضع حقوقی از سوی وزارت خارجه ج ۱۰ است .

جسته ترین نکته این اعلامیه ، سکوت گذاردن تجاوز نظامی ایالات متحده به حق حاکمیت ملی مردم ماست . وزارت امر خارجه ج ۱۰ حتی لزومی به اعتراض به شلیک موشک های رزمی و آمریکائی به هواپیمای ایرانی ندیده است !

سران ج ۱۰ که خوب می دانند مطلع شدن مردم ما از این تجاوز گستاخانه امپریالیسم آمریکا احساسات ضد امپریالیستی زحمتکشان ایران را شعله و خواهد کرد ، ترجیح داده اند اساسا در این باره سکوت کنند و تنها به استناد تظلم آمیز به مفاد کنوانسیونهای بین المللی و زیر پا گذاشتن

سرن ج ۱۰ برای احتراز از برخورد جدی با "مناخ" امپریالیسم جهانی ، که آن را از زبان آقای خامنه ای رئیس جمهور اسلامی ایران به رسمیت هم شناخته اند (اطلاعات ۱۶ اسفند) ، راه عقب نشینی و کرنش در برابر تهدیدات امپریالیسم را برگزیده اند . در حالی که از مدت ها پیش سران ج ۱۰ به کرات تأکید کرده بودند که در صورت بمباران تأسیسات نفتی ایران در جزیره خارک ، تنگه هرمز را مسدود خواهند کرد . هنگامی که خط سر بمباران خارک حالت جدی به خود گرفت و ناویگان

تسلیم طلبی سران ج.ا.د در برابر تجاوز نظامی امپریالیستی جزئی از استراتژی جنگ توسعه طلبانه است

سرن ج ۱۰ برای احتراز از برخورد جدی با "مناخ" امپریالیسم جهانی ، که آن را از زبان آقای خامنه ای رئیس جمهور اسلامی ایران به رسمیت هم شناخته اند (اطلاعات ۱۶ اسفند) ، راه عقب نشینی و کرنش در برابر تهدیدات امپریالیسم را برگزیده اند . در حالی که از مدت ها پیش سران ج ۱۰ به کرات تأکید کرده بودند که در صورت بمباران تأسیسات نفتی ایران در جزیره خارک ، تنگه هرمز را مسدود خواهند کرد . هنگامی که خط سر بمباران خارک حالت جدی به خود گرفت و ناویگان

" رضایت دادن غرب به منطقه ای بد و صدام مناسب ترین راه حلی است که می تواند به جسی اتخاذ شیوه های حفظ رژیم عراق انتخاب گردد . اکنون نوبت جامعه غرب است که تصمیم بگیرد " (کیهان ۴ اسفند ۶۲)

روشن است که در متن چنین سیاستی ، برخورد جدی با "مناخ" امپریالیسم آمریکا و دفاع انقلابی از منافع ملی و حق حاکمیت مردم ما بجای ندارد . سران ج ۱۰ در تدارک معامله با امپریالیسم ، نه مبارزه با امپریالیسم . این واقعیتی است که مردم ما بیش از پیش به آن پی می برند .

جنایات رژیم ج.ا.علیه توده ای های در بند را افشا کنیم!

بقیه از صفحه ۱۴
حوادث آرائی که موضع آن گروه یا جمعیت را می دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف سازمان فعالیت و تلاش مؤثر دارند ، محارب محسوب می شوند .

مطلب روشن تر از آنست که نیاز به توضیح داشته باشد اکنون دیگر همه می دانند ، توده های رانه به جرم " جاسوسی " و " براندازی " بلکه به اتهام دفاع از انقلاب ، بازگویی ظلم خونین و مالکین و فئودالها " و افضای سیاست های خائنه ، سردمداران ج ۱۰ محاکمه و به مرگ محکوم می کنند . اما این همه ، مانع از آن نیست که نیروهای صادق و وفادار به آرمانهای مردمی ، جزئیات جنایاتی که هرروزه ، حاکمان ج ۱۰ در زندانها ، شکنجه گاهها و بیدادگاهها مرتکب می شوند ، برملا سازند . باید بریک این فجایع انگشت گذاشت ، اسناد آنها را گسرد آورد و در معرض داری مردم ایران و جهان قرار داد . این ها اسنادی است که خلق در محاکمات عادلانه ، آینده خود ، بدان ها نیاز دارد .

زندگی نامه و اسناد مبارزات شهدا و زندانیان توده ای را گردآوری کنیم

حزب توده ایران ، و در گام نخست شهدای اخیر رفا : ناخدا یکم افضلی ، سرهنگ عطاریان ، سرهنگ کبیری ، سرهنگ آذر افروز ، محمد بهرامی نژاد ، ابوالفضل (جعفر) بهرامی نژاد ، غلامرضا خاضعی ، شاهرخ جهانگیری ، فرزاد جهسباد و خسرو لطفی ، یک وظیفه انقلابی است .

" راه توده " از همه اعضا و هواداران حزب توده ایران و همه میهن دوستان و ترقی خواهان ایران درخواست می کند ، زندگی نامه ، عکس ها ، اسناد و اخبار مربوط به مبارزات شهدا و مبارزان در بند توده ای را گردآوری و برای ما ارسال کنند . جمع آوری اسناد و مبارزات رزمندگان

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم!



سخنان رفیق چرتکوپیرامون مناسبات اتحاد شوروی و جمهوری توده‌ای چین

رفیق کستانین چرتکو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، طی دیدار با انتخاب کنندگان در مسکو، طی سخنرانی مسیوطی از جمله درباره مناسبات میان اتحاد شوروی و چین چنین گفت:

طبیعی است که عادی شدن مناسبات با جمهوری توده‌ای چین، می‌تواند نقش سوسیالیسم را در زندگی بین‌المللی افزایش دهد. ما به طور پیگیر در راستای این گونه عادی کردن مناسبات عمل می‌کنیم. ولی تبادل نظرهای سیاسی نشان داده است که در مورد برخی مسائل اصولی، هنوز تفاوت عقیده وجود دارد. به ویژه ما نمی‌توانیم در مناسبات و جنبه به سوی آنگونه توافق‌هایی برویم که به زبان کشورهای "جهان سوم" باشد. اما تبادل نظرها همچنان ادامه

دارد و ما آنها را سودمند می‌دانیم. اتحاد شوروی معتقد است که باید سطح تماس‌ها را به میزانی که برای دو طرف قابل قبول باشد بالا برد.

اعلامیه حزب کمونیست لبنان درباره اوضاع کشور

موافق ارزیابی حزب کمونیست لبنان، سیاست تجاوزی آمریکا در لبنان با یک شکست قابل ملاحظه روبرو شده است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان در یکی از نشست‌های اخیر خود، تازه‌ترین رویدادهای کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و مبارزه سیاسی و نظامی نیروهای ملی لبنانی را تأیید کرد. در اعلامیه گفته می‌شود که در برابر نیروهای ملی کشور، این وظیفه قرار داد که هم‌چنان در برابر تمام تلاش‌های سیاسی و نظامی مداخله - کرانه ایالات متحده آمریکا با قاطعیت ایستادگی کنند و مقاومت در مقابل اشغالگران اسرائیلی را تا عقب نشینی کامل آنان از سرزمین لبنان ادامه دهند. کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان، هم‌چنین خواهان لغو رسمی قرار داد و جنبه اسارت‌آوری است که سال گذشته میان لبنان و اسرائیل با وساطت دولت آمریکا منعقد گردیده است.

نیرنگ تازه ضیاء الحق

نیروهای مخالف دولت نظامی در پاکستان، وعده جدید ضیاء الحق را مبنی بر انجام انتخابات عمومی آزاد در ماه اکتبر به مثابه نیرنگ حقیرانه برای ایجاد اختلاف در میان احزاب عضو جنبش برقرار ساختن دموکراسی ارزیاب کردند. ضیاء الحق قصد دارد اعلام انتخاباتی، قلابی و عدم اجازه شرکت در آن را به بعضی احزاب سیاسی، به وسیله‌ای برای تحکیم موقعیت خود تبدیل نماید.

"جنبش برقرار ساختن دموکراسی"، تصویب گرفته است این به اصطلاح انتخابات را که به منظور جاویدان کردن حکومت نظامیان، سازمان داده می‌شود تحریم کند. این جنبش، خواهان انجام انتخابات بر پایه قانون اساسی سال ۱۹۷۳ با شرکت همه احزاب سیاسی است.

اصلاحات ارضی بنیادی

بقیه از صفحه ۱۴
(جنتی، بهمان ۱۵ بهمن ۶۲)

زور و تهدید، راه حل مشکلات و معضلات اجتماعی نیست. با تشکیل ستاد جلوگیری مهاجرت عدم صدور کارت ارزاق، نمی‌توان به بحران مهاجرت روستائی فائق آمد.

تنها در شرایط یک خاصیت دموکراتیک انقلابی و با حل بنیادی مسأله ارضی به معقانان زحمتکش و با تأمین عدالت اجتماعی، توان شکل و ماهیت مهاجرت روستائی را به نفع رشد سالم اقتصادی - اجتماعی کشور حل نمود.

اظهاریه رسمی خبرگزاری شوروی تاس

اقداماتی که دولت ایالات متحده آمریکا در حوضه خلیج فارس به عمل می‌آورد برای صلح و امنیت بین‌المللی خضر جدی ایجاد می‌کند.

اتحاد دهنها ناو جنگی آمریکا به آنجا کشانده شده‌اند. نیروی هوایی آمریکا به گشت و تدارکات از راه هوا مشغول است. آمریکا به نحوی خشونت‌بار موازین حقوقی مورد قبول همگان، منجمله نوانسیون بین‌المللی منعقد در سال ۱۹۵۸ درباره دریاهای آزاد و معاهده منعقد در شیکاگو درباره هواپیمائی کشوری را زیر پا گذاشته است و خود سرانه در فضا و مساحت عظیمی برای پرواز هواپیماهای کشوری خارجی و کشتی‌ها چنان مقرراتی معین کرده است که به مراتب محدودتر از مقرراتی است که در آبهای تحت حاکمیت حقوقی مستقیم ایالات متحده آمریکا اعمال می‌شود.

دعاوی وقیحانه دولت آمریکا برای آن‌که ناحیه بزرگی از دریا و فضای هوایی تابع کنترل و نظارت آمریکا باشد، واضح و آشکار است. در عین حال آمریکا از تهدید به کار بردن نیروی نظامی در مورد کسانی که این مقرراتی را که خود سرانه برای کشتی‌رانی و پرواز هواپیماها معین شده، مراعات نکنند، روی گردان نیست.

بنا به اظهارات سخنگوی آمریکائی همه این اقدامات گویا برای تأمین آزادی کشتی‌رانی انجام می‌گیرد. ولی در واقع صحبت از مطالبه دیگری است. صحبت از تلاش دولت آمریکا است که می‌خواهد از راه نمایش سراسری قدرت نظامی

کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در
برمن (آلمان فدرال)
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کردند

رفقا محمود واحد

RAHE TUDEH
No. 83
Monday, 12 Mars 84

Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

راه
توده

| | | | |
|--------------|-------------|-----|------|
| Prices: | England | 30 | P. |
| West-Germany | Belgium | 22 | Fr. |
| | Italy | 600 | L. |
| France | Fr. U.S.A. | 50 | Cts. |
| Austria | Sch. Sweden | 3 | Skr. |